

هم سپهتان .
 فرخنده منی خواهند با سانسور
 مطبوعاتی مردم را در بی خبری
 بکشد آریند .
 با روزنامه‌های دیواری و با باهر
 وسیله دیگر مردم را از حقایق کسور
 سپهتان می گذرد ، مطلع سازید .

انتقام جونی ارتجاع در کشتار دسته جمعی
 زنان و کودکان بی دفاع روستای قارنا
 «دیپریاسین» دیگری آفریده است .



دوشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۵۸

سال اول - شماره ۳۲ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قیمت ۱۵ ریال

حقایق دیگر از جنایات ارتجاع در سرکوب خلق کرد

یکی از پاسداران:

«بهاگفته بودند شمارا برای جنگ با کفار و روستاهای فرستیم ، هر چند نفر از آنها را که بکشید ، به همان تعداد به بهشت می روید . پس تا می توانید بکشید .»



صحنه‌ای تکان دهنده از اعدام ۹ تن مبارزین خلق کرد ، همانگونه که در عکس
 پیداست ، جنایتکاران رفیق فدائی شهید احسن ناهید را در حالی که دست راستش بر آستر
 شکنجه شکن است و پایش تیر خورده و نمی تواند بایستد ، روی زمین خوابانده اند و
 این جنین دزخیمانه و رزوا بر کبار می بندند .
 احسن ناهید دوروز قبل از تظاهرات سینه‌چسب سنگرمورد اصابت گلوله
 فرزند رسته بود .

سنبلج:
 تبلیغات زهرآگین و دروغین رادیو
 تلویزیون ، تحریک کردن و بزرگ کردن
 مسائل به وسیله روزنامه‌ها و مطبوعات
 وابسته ، زمینه فکری هجوم به کردستان
 را فراهم ساخت و آنچنان تبلیغاتی را
 آغاز کردند که گویا علت بیگاری و فقر و
 گرانی ، کردها و کونیستها هستند . پس
 از این تبلیغات و عوامفریبی ها عوامل
 ارتجاعی فرمان تهاجم را به کردستان
 در بوق و کرنای ضد خلقی خود دمیدند
 خلقهای ایران را در بی خبری و فریب
 نگاهداشتند و هجوم مغولوار به
 بقیه در صفحه ۸

دقارنا

یا دیپریاسین ایران چه گذشت؟
 در شماره قبل خلاصه‌ای از جنایت
 مرتجعین در کردستان بخصوص دهکده
 «قارنا» که می بایست «دیپریاسین» ایران
 بنامیم به اطلاع هموطنان رساندیم حال
 با توجه به اهمیت این مسئله و سکوت
 مرگبار هیئت حاکمه از این کشتار وحشیانه
 برای آگاهی بیشتر شرح واقعه را به نقل از
 خبر نامه کردستان چاپ می کنیم .
 همزمان با تهاجم خونین ارتش به
 منطقه مهاباد ، مزدوران ملاحسنی نماینده
 امام در ارومیه و رئیس کمیته انقلاب این
 شهر ۶۸ نفر از زنان ، کودکان و پیر -
 مردان روستای «قارنا» در نزدیکی نقده
 قتل عام کردند . این جنایت که در تاریخ
 مبارزات خلق کرد بی نظیر بود هنگامی
 بقیه در صفحه ۲

یاد حماسه آفرینان سپتامبر سیاه را گرامی بداریم

**محمد مکری با دروغ پردازی های خود
 حقایق را واژگونه جلوه می دهد**
 دکتر مکری سفیر ایران در شوروی در
 یک مصاحبه مطبوعاتی که متن آن در
 روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۲۲ شهریور ماه
 شماره ۱۵۹۵۲ چاپ شده است مطالبی
 اظهار داشته که هر خواننده بی نظری را
 متوجه دشمنی او با خلق کرد و بطور کلی
 تمام مردم زحمتکش و دوستی و نزدیکی
 وی با طبقه حاکمه خواهد کرد .
 تمام گوش او در جهت بی حیثیت
 نمودن جنبش خلق کرد و اینکه گویا کردها
 به وسیله عوامل صهیونیست تحریک
 شده‌اند ، جزئی از تبلیغات وسیع دستگاه
 ارتجاع است تا این خلق رزمنده را از
 حمایت معنوی نیروهای مترقی ضد
 امپریالیست جهان محروم نماید .
 بقیه در صفحه ۷

هموطنان مبارزا
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 که همواره به حمایت مردم قهرمان میهن
 تکیه داشته است ، امروز بیش از هر زمان
 دیگر نیازمند پشتیبانی شماست .
 کمکهای مالی خود را به حساب شماره
 ۳۲۰۹۸ بانک ملی ایران شعبه دانشگاه
 بنام عباس فضیلت کلام واریز نمایید .

سرمقاله
**بازگشائی دانشگاهها و مدارس
 و صف بندی جدید نیروها**
 در آستانه گشایش مدارس و دانشگاهها قرار گرفته ایم و این گشایش همچون سال
 گذشته توجه همه نیروهای سیاسی را به خود جلب کرده است . چرا که چنانچه
 حقایق تاریخی نشان می دهد دانشگاهها و مدارس در مبارزه ضد امپریالیستی
 و دموکراتیک خلق ایران همواره حتی در سیاهترین سالهای دیکتاتوری از فعالترین
 و سیاسی ترین محیطها و مراکز بوده‌اند .
 همه جریانهای سیاسی در این دوره تحولات سیاسی را به دقت زیر نظر
 گرفته‌اند و می کوشند با تحلیل موقعیت موجود و ارزیابی نیروی هر یک از جریانها
 سیاست و روش خود را مشخص ساخته و در جهت مصالح و منافع اقشار وطنی که
 حمایتش را بر عهده گرفته‌اند ، گام بردارند .
 بقیه در صفحه ۲

تنها مرتجعین با آزادیهای سیاسی مخالفند زیرا پایه های حکومتشان بر نا آگاهی توده ها استوار است

چرا ما مدافعان جدید به حقیقت
 سرکوب متوسل می شوند و صدای حقوق
 طلبانه کارگران و زحمتکشان و نیروهای
 انقلابی مدافع آنان را خفه می سازند؟
 برانظام سرمایه داری وابسته نمی تواند
 حر ساحتان و سرکوب و نابودی آزادیها و
 حقوق دموکراتیک به حیات خود ادامه
 دهد . سرمایه داران و زمینداران سر برگ
 برای آنچه مردم زحمتکش را غارت کنند
 باید آنها را فریب دهد و در جهت سلو
 ی جبری نگاهدارند . اگر مردم نتوانند
 کتاب و روزنامه ، نشر و اعلامیه بچوانند
 سلنامه حقوقی حقه خودی می برند
 اگر مردم آزاد باشند که میسنگ تشکیل
 دهند و حرفهای انقلابیون واقعی را
 بشنوند ، از میزان ظلم و ستم حاکم در
 جامعه سرمایه داری باخبر خواهند شد و
 دیگر به راحتی تن به ستم و استعمار
 نخواهند داد . آزادی های دموکراتیک
 باعث رشد آگاهی توده های زحمتکش
 می شود . باعث می شود مردم دوستان
 و دشمنان واقعی خود را از یکدیگر تشخیص
 دهند و صف نیروهای انقلاب را از صف
 انقلاب جدا کنند و طبیعی است که همه
 خدمتگزاران سرمایه داری و غارت دسترس
 زحمتکشان اینقدر از آزادی و اینقدر از
 دموکراتیک بدشان نباید ، زیرا بر سر
 بقیه در صفحه ۵

«کنفرانس وحدت» با موضع گیری سیاسی خود در کردستان با ارتجاعی ترین جناح هیات حاکمه همصدا شده است

(قسمت اول)
 نظریه اهمیت و نقش اساسی مبارزات کونی خلق کرد در جنبش انقلابی ایران
 و شناخت واقعی از موقعیت و صف بندی نیروهای درگیر و دیگر جریانهای سیاسی تحلیل
 مختصری از مواضع سیاسی این نیروها را در دو یا سه شماره به چاپ خواهیم رساند .
 ما در این شماره بطور کلی و در شماره آینده بطور مشخص موضع ارتجاعی
 «کنفرانس وحدت» در راه آزادی طبقه کارگر را نسبت به مبارزات خلق کرد بررسی
 نموده و سپس نقش حزب دموکرات کردستان و موضع سازشکارانه حزب تسوده را
 مورد ارزیابی قرار خواهیم داد .
 بقیه در صفحه ۷

مردم زحمتکش ما می پرسند چرا آموزش نباید رایگان باشد ؟ چرا ۱۷۱ تومان شهریه می گیرند ؟

احیرا! اعضای نامحای «مفسدان
 زحمتکش تهران» بچسبده که در آن سه
 مسئله دریافت شهریه در مدارس دولتی
 اشاره و اعتراض شده است . برای آشنائی
 سیر سلسله شن اعلامیه را در زیر
 می آوریم .
 عده ای از خانواده های نازی آبا د
 دوار برای العای شهریه به طرف آموزش و
 بقیه در صفحه ۲

اعتراض معلمان پیشگام تهران به اخراج معلمان آگاه و مبارز تحت عنوان «یکسازي»

معلمان پیشگام تهران اعلامیه ای
 به تاریخ ۱۲ شهریور ماه ۵۸ صادر کردند .
 که در ابتدای آن چنین آمده .
 «و حالانویست معلمان است . . .
 دانش آموزان و فرهنگیان انقلابی . . .
 همانگونه که چند روز پیشتر از رادیو
 شنیدید ، وزارت آموزش و پرورش در نظر
 دارد در حدود ۲۰۰۰ نفر از معلمان کشور
 بقیه در صفحه ۲

سرکوبگران خلق کرد، دشمنان وحدت خلقهای ایران هستند

حقایق دیگری از جنایات

بندهای مذهبی در راه سرکوبی خلق هاستاد...
روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۵۸ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر نیروهای دولتی به پل سقر (۵ کیلومتری شهر) رسیدند. عده ای از مردم شهر از زن و مرد و بچه‌رو پل به حالت اعتراض به ورود پاسداران و ارتش نشتند. فانتوماهلی کوپترها بر فراز شهر ظاهر شده به روی اجتماع مردم روی پل تیراندازی کردند...
هفت نفر از جوانان شهر راه را بر خود روهی ارتشی بستند. آنها از کوشش مولوتف برای مقابله با ارتش استقا ده می کردند. یک جوان پانزده ساله به نام روزتوانست با کوشش مولوتف یک تیربارن به دست آورد. عده ای از مبارزین با تیراندازی از سنگرهای خود در تخیل ارتشی را از کار انداختند و همان جوانان که راه را بسته بودند، توانستند سرنشینان جرقیل و دیگر خودروها را خلع سلاح و آنها را دستگیر کنند.
نیروهای دولتی وقتی متوجه شدند که گذشتن از پل کار آسانی نیست به وسیله مزدوران مفتی زاده که به منطقه آشنایی داشتند از بزرگراه قصد حمله به شهر را کردند. در همین اوضاع ارتش بر پادگان شهر نیرو بهاد می گردوان کار بیشتر به این علت بود که عده ای از افراد پادگان سقر که طی سالها با مردم آشنا شده بودند حاضر به اطاعت کورگروانه و حمله و تیراندازی نبودند.
تیراندازی به وسیله هلی کوپتر به مردم ادامه داشت که در نتیجه آن ۱۷ نفر کشته و ۳۰ نفر زخمی شدند. یک زن در داخل پنجره خانه خود هدف گلوله قرار گرفت. عده زیادی از پاسداران نیز کشته شده و یک هلی کوپتر نیز سرنگون گردید.

بازگشائی دانشگاهها و مدارس و ...

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غریبه بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از وضعیت های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها ضربهات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاهها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح گاهی و مبارزه توده ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده های میلیونی خلق است (از میان همین تحلیل هاست که شمارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.)
قیام بهمن ماه و پیروزی مردم بر رژیم دیکتاتوری شاه تغییراتی اساسی در شرایط مبارزه فراهم آورده است. ترکیب نیروها و رابطه آنها با یکدیگر اساساً متحول شده است. اشکال سرکوب ارتجاع هیچگونه شاهیتی با شیوه های سرکوب گذشته ندارد. سطح آگاهی و تشکل توده های دانش آموز و دانشجو وصف بندی آنها با گذشته قابل قیاس نیست. ارتجاع حاکم آشکارا از گشایش مجدد دانشگاهها و مدارس واهمه دارد و از آن می ترسد که با بازگشائی آنها، نیروهای چپ که در محیط های روشنفکری توان و قدرت مادی قابل ملاحظه ای دارند، دانشگاهها و مدارس را از نو به سنگر مبارزه علیه ارتجاع بدل سازند. مترجم ترین و فعالترین نیروی سازمان یافته فاشیستی یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که تمام حیات خود را بی هیچ پرده پوشی به مبارزه با سازمانهای مترقی و انقلابی گذرانیده است تحت پوشش ضرورت پیشبرد جهاد سازندگی درخواست شش ماهه تعطیل برای دانشگاهها و مدارس عالی را کرده و حزب حاکم نیز تصویب کند گشایش دانشگاهها را به رشد فکری نیروها قبل از آنکه به سود آنان باشد از نظر ایشان موجب اشاعه "فساد افکار" در میان جوانان خواهد شد. حتی آنها پنهان نمی کنند که از گشایش دانشگاهها واهمه دارند. آنها گشائی هستند که ترجیح می دهند به جای دانشگاهها کوی طلاب را در هر کجایا ببندازند.
از حوالی فروردین تا همین اواخر اکثریت مطلق دانشجویان مذهبی تحت تاثیر پیروزی های قیام و نقش رهبری روحانیت در آن رهبری همین جریانها گردن نهاده اند و آن را پاسنگوی آینده آنها و آرزوهای خود یافته اند. این جریان موجب شد طی تمام ماههای بهار و اوایل تابستان بیشترین فشار روی نیروهای مترقی و پیش از همه روی نیروهای طرفدار مجاهدین خلق وارد آید. در این دوران این نیروها زود حدت و انسجام و روحیه تفرقی نسبتاً بالایی برخوردار بودند و هر نوع مخالفت با حزب حاکم و بطور کلی حاکمیت راکتورکنی و ضدیت با انقلاب می پنداشتند. اما به نظر می رسد اخیراً یک جریان عکس در دو جهت، یکی در جهت آسیب دیدن وحدت و انسجام آنها و دیگری در جهت جدا شدن نیروهای روشنفکری مذهبی از جناحهای ارتجاعی و پیوستن مجدد آنان به نیروهای مترقی آغاز شده باشد. نیروهای مترقی مذهبی که از اوایل قیام تا اوایل تابستان به سرعت منفرد می شدند و نیروها و دست می دادند اخیراً مجدداً بطور مشخص و محسوس رو به رشد سریع نهادند.
با اعتقاد ما این پروسه پایه پای روشن شدن ماهیت جناح حاکم و سمت گیری های به غایت ارتجاعی آن در آینده بازم تشدید خواهد شد و نیروهای واقفان تقی خواه مذهبی مقدار زیادی از نیروهای راکه از دست داده بودند دوباره کسب خواهند کرد.
حقایق نشان می دهند که در بین نیروهای ضد مارکسیست مذهبی نیز شکافی آشکار پدید آمده است. یک جناح که با سرکوب فاشیستی مارکسیست ها و نیروهای انقلابی مخالف است، طرفدار آزادی عقیده، منظره و میانه و ادامه تصفیه عناصر وابسته به رژیم شاه و دستگیریهای دولتی و نظامی است و عدم پایبندی به این اصول و این سیاستها را فراموش کردن بهترین زمینه های رشد برای نیروهای هوادار مارکسیسم می انگارد و از این نظر خیانت به "انقلاب اسلامی" می شمارد و جناح دیگر که هوادار سرکوب فاشیستی به معنای وسایل و طرق ممکن است و هر نوع کوتاهی در این زمینه را خیانت به "رهبری" و تسلیم شدن به کمونیستهای داند. این جناح وظیفه عمده خود را چاق قبل از تمام وجه بعد از آن مبارزه با کمونیستها و در رأس آنان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دانسته و تمام مخالفین این ایده را تحت عنوان "مناقض" زیر حمله خود قرار داده است. چنانچه سیاست هوشیاران و درستی در برابر این جناح پیش گرفته شود میباید به نظری رسید رسال آنها شده بدون آنکه بر فلاتهای غیر دانشجو و جاقوش ها و جاقاق دارهای طرفدار آنها بتوانند میدان دانشگاه کاری از پیش ببرند.
در شماره آینده، در ادامه این بحث، صف بندی نیروهای مدافع اهداف و آرمان طبقه کارگر و اردار دانشگاهها و مدارس ایران و وظیفه سنگینی راکه در این شرایط به عهده دارند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در قارنایا «دیپاسین»، ایران ...

اتفاق افتاد که تمام مردان این روستا از قبل خارج شده بودند و تنها افرادی که قادر به حرکت نبودند در روستا باقی ماندند. عوامل این جنایت بیشتر از افراد "قره پاهان" بودند که یک هفته قبل از آن وسیله ملاحظاتی جنایتکار صلح شده بودند و این عمل راه تلافی اعدام یک پاسدار نرده ای و وسیله دیگر ارتقا در سر دشت انجام دادند. در نتیجه این جنایت در روستای "قارنا" ۵۲ نفر زن و کسو دک شهید شدند که فقط سه نفرشان به وسیله گلوله از پای درآمدند و بقیه با سر بریده شدند یا با گاردای در آمدند.
نه رادیو تلویزیون انحصاری روستا و نه روزنامه های ارتجاعی همانطور که از ماهیتنا هم بر می آید هیچکدام این خبرگان دهنده را منعکس نکردند... روزنامه انقلاب اسلامی هم که در شماره چهارشنبه ۲۱ شهریور در سرفاله خود تحت عنوان "درسوک قارنا" به این جنایت اشاره ای دارد، تلاش کرده است تا شکلی قبیحه را مستالی کند... این روزنامه می نویسد...
"در میان نابوری و بهت غریبیم که به دهی گذشتن حمله وعده بسیاری را قتل عام کرده اند."
اما این روزنامه خیلی مودبانانه از عرفی ما ملین این جنایت طفره رفتن است و در کمال بی شرمی از جنایت فقط به این دلیل ابراز تألم می کند که...

مردم زحمتکش مای پوسند ...

پرورش ناحیه هفت (جوادیه) راهم با می کردند. رئیس آموزش پرورش ناحیه ۷ که در مقابل اعتراض شدید خانواده ها قرار گرفته بود، مجبور شد دستور لغو شهریه مدارس ناحیه ۷ را بدهد. دستور خود را هم نوشت و امضاء کرد و لسانی هم اکنون در ناحیه هفت ناخواندند. ۱۷۱ تومان شهریه می گردند. ماما می گویم چرا وقتی قول می دهید، قول خود را بر این می گذارید و حاضر نیستید این مطلب را بشنایید که چرا فقط دستور لغو شهریه ناحیه ۷ داده می شود؟ مگر وضعیت زندگی مردم سایر نواحی مثل شهر آباد جنوبی، جاده سوا و میدان خراسان، شهر ری از مردم ناحیه ۷ بهتر است؟
چطور انتظار دارید خانواده ای که ۱۵۰۰ درآمد دارد و ۸۰ تومان اجاره خانه می دهد برای چهار فرزندش شهریه بپردازد؟ چطور انتظار دارید خانواده ای که نان آورشان بیکسارو با بیمار است برای فرزندانش شهریه بپردازد؟ آیا می دانید به خاطر این شهریه چه تعداد خانواده های هستند که فرزندانشان را سالها به مدرسه نمی گذارند جواب مقب ماندگی این به چه مانع کسی می دهد؟ چرا هنوز مدرسی به نام شهریه های سرسام آور وجود دارد؟ (مثل مدرسه گلستان با ۲۸۰۰ تومان شهریه) با وجود این چنین مدرسی آیا می توان توقع...

اعتراض معلمان پیشگام تهران ...

چنانچه به بدستان، جاقوشها و موامیل سانوروا "عده" کثیری از معلمان می خوانند و بر آزاد بخوانان و انقلابیون نام "بعودی ضد انقلاب" و "خوابکار" می گذارند.
در بیان اعلامیه پس از اشاره به مسائلی از قبیل به بند کشیدن مطبوعات پرورش به دفاتر سازمانهای انقلابی، برهم زدن اجتماعات، تهاجم و خشونت به خلقها و به ویژه به خلق قهرمان کردستان، گفته شده که اینک نویسنده تصفیه حساب با سلطان آگاه و مبارز رسیده است و می خوانند با هم ردیف قرار دادن ضد انقلاب "غیر سلطان" عده ای از معلمین آگاه و انقلابی را از فرهنگ خارج نمایند.
در انتهای اعلامیه چنین می خوانیم "از این رو ما هم اکنون در راسته آغاز سال تحصیلی هم صداف فرهنگیان متعهد و عموم مردم مبارز ایران اعلام می کنیم...
...ما همچون گذشته خواستار تصفیه محیط آموزشی از کلیه عناصر مرتجع و همه عوامل مزدور گذشته و به خشکی راه و برانه ای تبدیل کردند.

معنای این به غایت ارتجاعی آن در آینده بازم تشدید خواهد شد و نیروهای واقفان تقی خواه مذهبی مقدار زیادی از نیروهای راکه از دست داده بودند دوباره کسب خواهند کرد.
حقایق نشان می دهند که در بین نیروهای ضد مارکسیست مذهبی نیز شکافی آشکار پدید آمده است. یک جناح که با سرکوب فاشیستی مارکسیست ها و نیروهای انقلابی مخالف است، طرفدار آزادی عقیده، منظره و میانه و ادامه تصفیه عناصر وابسته به رژیم شاه و دستگیریهای دولتی و نظامی است و عدم پایبندی به این اصول و این سیاستها را فراموش کردن بهترین زمینه های رشد برای نیروهای هوادار مارکسیسم می انگارد و از این نظر خیانت به "انقلاب اسلامی" می شمارد و جناح دیگر که هوادار سرکوب فاشیستی به معنای وسایل و طرق ممکن است و هر نوع کوتاهی در این زمینه را خیانت به "رهبری" و تسلیم شدن به کمونیستهای داند. این جناح وظیفه عمده خود را چاق قبل از تمام وجه بعد از آن مبارزه با کمونیستها و در رأس آنان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دانسته و تمام مخالفین این ایده را تحت عنوان "مناقض" زیر حمله خود قرار داده است. چنانچه سیاست هوشیاران و درستی در برابر این جناح پیش گرفته شود میباید به نظری رسید رسال آنها شده بدون آنکه بر فلاتهای غیر دانشجو و جاقوش ها و جاقاق دارهای طرفدار آنها بتوانند میدان دانشگاه کاری از پیش ببرند.
در شماره آینده، در ادامه این بحث، صف بندی نیروهای مدافع اهداف و آرمان طبقه کارگر و اردار دانشگاهها و مدارس ایران و وظیفه سنگینی راکه در این شرایط به عهده دارند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

و خود را تسلیم مبارزین خلق کرد کردند.
بطور کلی روز جمعه یک لحظه هم تیراندازی قطع نشد البته غروب دو هلی کوپتر دیگر سرنگون شد (۲ شهریور ۵۸) در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر ارتش با توپ و تانک وارد شهر شد و اولین کارش به توپ بستن به سربازین و معابر بود و تانکها رسیدن به پادگان تانکها و هلی کوپترها تیراندازی می کردند و شهر گلوله باران شد. در این حمله حتی آراکت و بیه های آتش را نیز استفاده کردند بدین ترتیب عده بسیاری از مردم در داخل خانه های خودشان به قتل رسیدند. مردم شهر به پیش مرگان مسلح گرد با شدت بافتن تیراندازی در حالت جنگ و گریز به مقابله با نیروهای دولتی پرداخته و با استفاده از توپ های غنیمت گرفته شده تانکها را به توپ بستند و در نتیجه دوتا تانک نابود گردید. این سرد تا ساعت ۶ صبح روز سه شنبه ۳ شهریور ۵۸ ادامه داشت.
صبح روز سه شنبه ۳ شهریور ۵۸ کسی از منزل خارج نشد. اما پاسدارها به شهر ریختند و برای اینکه عکس العمل مردم را ببینند با بلندگو تقاضای آب می کردند اما کسی در راه رویشان با سرتک دروغوی آنها با بی سیم به پادگان اطلاع دادند که در شهر به حوسی از استقبال می کنند. در همان روز معانات دستگیری افسراد و بارسی منزل شروع شد و در روز ۲۴

دراختراز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مختلف اداری و آموزشی وزارت آموزش شو پرورش هستیم. ساواکی هائی که در لباس کارند این اداره حفاظت با در هر مقام دیگری به مردم مستعد به مافوق فرهنگ اصیل آنها خیانت کردند، امروز نباید با دغلتکاری و خیانت پیشگی به اعمال ننگین خود در میان ما ادامه دهند. جای اینگونه افراد در اردوگاههای تادیبی کار است نه در میان دانش آموزان و آموزگاران فداکار.
۲- هر نوع تصفیه افراد در مدارس و ادارات آموزش و پرورش باید با نظر خود معلمان یعنی شورای کارکنان هر مدرسه و اداره با انضام سابق آنها همراه باشد.
۳- تفتیش عقاید و پیمان کردن آزادی بیان و قلم به ویژه در محیط های آموزشی را محکوم می کنیم و آزادی اندیشه را سد محکم در برابر نقشه های ضد مردمی ارتجاع و امپریالیسم می دانیم.
ننگ و رسوائی بر مرتجعین و نقشه های ضد مردمیشان
مرگ بر امپریالیسم و نوکرائش
شکوفان باد مبارزه آزاد بخوانان خلقها

دو طرز تفکر

• طرز تفکر خرد بورژوازی
این طرز تفکر به خاطر تاکید بر نخبگان و شناختن ظرفیت برای توده ها جانی هم برای آگاهی آنها قائل نیست.

• طرز تفکر کارگری
این طرز تفکر بر منافع طبقاتی تاکید می‌ورزد و اختلافات عقیدتی (مثلا مذهبی و غیر مذهبی) را عمده نمی‌کند.

از مدت‌ها قبل و بخصوص پس از قیام خونین بهمن ماه در سطح جامعه مبارزه بی شدیدترین دو طرز تفکر شکل گرفت و هر روز که می‌گذرد این مبارزه حاد تر می‌شود. این مبارزه در کلیه تشکیلات توده‌یسی منجمله شوراهای نیز درگیر شد. خصوصیات این دو طرز تفکر که ناشی از ساختار طبقاتی جامعه نیز بود، به قرار زیر است:

۱- طرز تفکر خرد بورژوازی
این طرز تفکر ریشه در فرهنگ چندین صدساله جامعه دارد. میراث جامعه فئودالی است و چون از طرفی با سنت ها و آداب و رسوم توده‌ها آمیخته است و از طرف دیگر در گذشته با فرهنگ مهاجم و مترقی بورژوازی نیز پیوسته شده است، عمیقاً ریشه دار است و طرز تفکر حاکم و مسلط جامعه است. انقلاب اخیر این طرز تفکر را احیا کرده است و به آن امکان تهاجمی داده است که شدیداً مورد استفاده خرد بورژوازی مرفه و دیگر طبقات حاکم قرار گرفت.

این طرز تفکر که برای توده های مردم ظرفیتی قائل نیست و به همین دلیل در تصمیم گیری ها جانی برای آنها نمی‌شاند، تمام توجه و تاکیدش را بر نخبگان می‌گذارد. آنها هستند که حق تصمیم گیری در تمام امورات را دارند، آنها هستند که حق صدور فرامین و دستورات را دارند و توده‌ها باید که حرف شنو، پیرو و عیار بهتر مقلدین کامل هفاری باشند که بی چون و چرا و پرده وار به اجرای فرامین و دستورات بپردازند. چنانچه این طرز تفکر در لحظه حاضر پیروی از فرامین و دستورات دولت و رهبران است و این که در هیچگونه اعتراض و اعتصاب و تمسک حتی با وجود شدیدترین استعمار ها و تمسک نیستند.

این طرز تفکر مرتباً شکست‌ها و ناتوانی هایش را به عوامل خارجی و غیر خودی نسبت می‌دهد (همچنانکه در اصل نظرش هم ماوراء طبیعت تعیین کننده سیر واقعات است و نه خود طبیعت و قوانین حاکم بر آن و مدام آنها را مورد حمله قرار می‌دهد). رواج مقابله با "رادر صبر" انقلابی و عدم تحریک مبارزه جویبی توده‌ها می‌جوید. به همین دلیل در خدمت سرمایه داران و کارفرمایان وابسته قرار دارد و عملاً در جهت منافع آنان گام برمی‌دارد.

دعوت به "صبر انقلابی"، دعوت به آرامش و سازش و عدم تهاجم به استعمار کنندگان خواست همه سرمایه داران بوده است و این موضوع مطلب تازه بی نیست کافی است به فرهنگ دویست ساله اروپایی مراجعه شود تا انواع و اقسام و اشکال متنوع این شیوه مبارزه با خواست توده‌ها روشن شود.

این طرز تفکر بدون توجه به جهت و هدف ایجاد و ساختن، شمار سازندگی را در کارخانجات می‌دهد و از آنجا که سرمایه اکثر واحدهای تولیدی ما خارجی است و منافع آن به جیب سرمایه داران خارجی می‌رود، عملاً مبلغ تلاش کارگران برای پر کردن جیب سرمایه داران جهانخوار است. البته ممکن است این طرز تفکر "خیر خواهانه" مبلغ سازندگی باشد اما به هر حال در خدمت جهانخواران است و تا همین کنده منافع آنها می‌باشد.

این طرز تفکر به خاطر تاکید بر نخبگان و شناختن ظرفیت برای توده ها جانی هم برای آگاهی آنها قائل نیست و نیروهای را که در جهت آگاه کردن توده‌ها می‌گوشد، ساده لوحی دانند و تلاش آنها را بی فایده می‌شمارند. اما چون عملاً شاهد اثرات آگاهی توده‌ها توسط طرز تفکر دیگر است و همراه با آن رها شدن توده‌ها از قید طرز تفکر خودی به بیند، به هراس می‌افتد و با آن مبارزه می‌پردازد و تمام روشهای ممکن برای جلوگیری از این آگاهی را استفاده می‌کند. عوامل موثر در این آگاهی رانشاسائی می‌کند، با آنها درگیری می‌شود، آنها را مورد تهاجم قرار می‌دهد و حتی به نام رادنه ترین روشها نیز متوسل می‌شود. بدین معنی که آنها را الو می‌دهد و در جهت اخراج آنها می‌کوشد.

این طرز تفکر به همه شیوه‌ها برای ازمدها قبل و بخصوص پس از قیام خونین بهمن ماه در سطح جامعه مبارزه بی شدیدترین دو طرز تفکر شکل گرفت و هر روز که می‌گذرد این مبارزه حاد تر می‌شود. این مبارزه در کلیه تشکیلات توده‌یسی منجمله شوراهای نیز درگیر شد. خصوصیات این دو طرز تفکر که ناشی از ساختار طبقاتی جامعه نیز بود، به قرار زیر است:

دستمزد

(در اقتصاد سرمایه داری)

به تدریج با کسب آگاهی طبقاتی به این امر بی می برنده دستمزدی که در ازای نیروی کارشان عاید می‌شود در هیچ شرایطی قادر به تامین زندگی شایسته انسان نبوده و تنهارنج زندگی بخور و نمیری را بر آنان تحمیل خواهد نمود و حاصل کارشان تنها زندگی اشرافی و پر زرق و برق سرمایه داران را تامین می‌کند. مادر گذشته نیز نشان دادیم که چگونه کارفرمایان همواره کارگران را بیش از آنچه که برای تجدید نیروی با زوان آنها لازم است به کار می‌دارند. عملکرد همین راه دو طبقه‌آسی، به دودشمن، به دوار دوگاه کاملاً متفاوت تقسیم می‌کند. در یک سو مشتری سرمایه دار بدون آنکه نقشی در برپایی و عشرت در کاخ ها و ویلاهای متعدد مشغولند و در سوی دیگر زندگی کاملاً متفاوتی جریان دارد، ارتش

مادرشماره‌های گذشته نشریه اقدام به درج سلسله مقالاتی به منظور آشنائی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان به اقتصاد سیاسی سرمایه داری نمودیم. بدر کوششهای مذکور این هدف را داشتیم که کارگران میهنان را به علل فقر و استثمار روزندگی و فلاکت بارشان از دیدگاه علمی آشنانموده و نشان دهیم که کارگران واقعا چرا و چگونه به بردگی سرمایه داران درمی‌آیند.

در ادامه این تلاشها اکنون برآنیم که در انطباق بیشتر قوانین عام سرمایه داری با حقایق وضعیت زندگی کنونی طبقه کارگر ایران به این مقالات به مدد تازه ای ببخشیم، به این امید که کارگران و زحمتکشان ایران، قوانین تمام جوامع سرمایه داری و از جمله سرمایه داری وابسته ایران را در رابطه با زندگی روزمره خویش هر چه عمیقتر و سرپنتر درک نموده و دریابند که تنها با مبارزه در راه استقرار یک نظام سوسیالیستی است که کارگران می‌توانند شرایطی را فراهم آورند که بطور نهائی و برای همیشه به بندگی و درد و رنج آنان خاتمه می‌دهد. این راهی است پر پیچ و خم و مایه‌ان داریم که کارگران از آن هراسی به دل راه نخواهند داد.

هیچگاه این گفته هوشی مین که رفیق کارگران شهید اسکندر صادقی نژاد به پوخته آن را تکرار می‌کرد فراموش نخواهیم کرد:

"میان سرمایه داری و سوسیالیسم دره ای است عمیق که با خاکستر کمونیستها برمی‌شود، ما از روی کنیم که خاکستر این دره باشیم."

اینک مادر چند شماره از نشریه ضمن توضیح مقوله دستمزد در اقتصاد سرمایه داری به افشاء سیاست های دولت در زمینه افزایش حداقل دستمزد پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ خواهیم داد که با سیاست افزایش حداقل دستمزد در خدمت بهبود وضع کارگران است، یا آنکه تنها مانوری سیاسی است که از جانب دولت به منظور جلب رضایت توده‌های زحمتکش انجام می‌گیرد؟

- اگر کارفرمایان حقیقتاً ارزش کار کارگران را می‌پرداختند
- دیگر سودی به چنگشان نمی‌آمد
- و در آن صورت سرمایه داری نیز وجود نمی‌داشت.

عظیم بیکاران، اردوی بزرگ کارگران قرار دارد که به زور قادر به تامین حداقل هیشیت بوده و همواره اسیر چنگ بانک ها به خاطر قرض و بدهی و اسیر مشکلات ناعلی از پرداخت اجاره مسکن، گرانی و غیره می‌باشد. پس به این ترتیب ملاحظه می‌شود که سرمایه داران به هیچ وجه در پی پرداخت ارزش کار کارگران نبوده بلکه به آنها می‌کوشند که تا جای ممکن نیروی کار را مثل هر کالای دیگر هر چه ارزانتر خریده و سپس کارگران را هر چه بیشتر به کار واداشته و سود بیشتری برند. اگر کارفرمایان حقیقتاً ارزش کار کارگران را می‌پرداختند، دیگری سودی به چنگشان نمی‌آمد و در آن صورت سرمایه

گفته شود که کارگر مزدور در مقابل هشت ساعت کار روزانه مزدی کمتر از ساعت کار دهنده بولی را که به عنوان دستمزد به کارگر پرداخت می‌کند، درست معادل مقدار درانجا تمام شده توسط کارگر است و اگر کارگر در آنجا سودی هم به دست می‌آورد، این سود ناشی از برتری های او در این مبادله است. به ادعای اقتصاددانان بورژوازی دستمزد کارگران بهای محصول کار آنان است و لذت نباید صحبتی هم از استثمار و بهره کشی کارگران توسط کارفرمایان، به میان آید. اما آنها در اینجا یک حقیقت مهم را از کارگران پوشیده می‌دارند... اینجاست که کارگر فریبکاری وحیده در میان است، زیرا که آنچه در بازار توسط کارگر فروخته

• چیزی که کارگران تحت عنوان دستمزد دریافت می‌دارند ارزش نیروی کار آنان است نه ارزش کاروبنابراین دستمزد بهای محصول کار و دستمزد نخبان نبوده بلکه تنها بهای نیروی کار آنان است.

داری نیز وجود نمی‌داشت.

آنچه به عنوان دستمزد در تولید سرمایه داری مطرح می‌شود، در حقیقت همان بهای نیروی کار بوده و به عبارت روشنتر تنها بخشی از بهای محصول کار روزانه کارگری است. مثلاً اگر کارگر روزانه کارگری ۸ ساعت باشد دستمزد وی ۶ تومان باشد، در حقیقت او بهای بخشی از ارزش کار خود، مثلاً ارزش سه ساعت از کار خود را دریافت نموده و بقیه به جیب سرمایه دار سرازیر می‌شود.

اما سرمایه داران و کسانی که از منافع آنان دفاع می‌کنند همین ۶ تومان را که بهای سه ساعت کار است به عنوان ارزش مجموع هشت ساعت کاروی جلوه تعیین می‌شود که عبارتند از:

- ۱- کمیت کار (ساعت روزانه کار)
- ۲- شدت کار
- ۳- پیچیدگی کار
- از گفتار بالا این اصل اساسی نتیجه می‌شود:

چیزی که کارگران تحت عنوان دستمزد دریافت می‌دارند ارزش نیروی کار آنان است نه ارزش کاروبنابراین دستمزد بهای محصول کار و دستمزد نخبان نبوده بلکه تنها بهای نیروی کار آنان است. در جوامع سرمایه داری کارگران

می‌شود، نیروی کار است نه خود کارگر اگر کارگران به طور مستقل قادر به انجام کار بودند آنگاه دیگر چیزی که توسط آنان به فروش می‌رسد محصول کار خود و نه چیزی دیگری، اگر مبادله ای بین کارگر و کارفرما برپا شود که از جانب سرمایه داران به صورت دستمزد پرداخت می‌گردد، این می‌گردد، آنگاه دیگر با قانون ارزش که قانون اساسی تولید سرمایه داری است وجود نمی‌داشت و با آنکه کار مزدوری در چنین جوامعی عملکرد خود را از دست می‌داد که این هر دو غیر ممکن است. برای افشای حبله مزبور مثالی

می‌زنیم:

فرض کنید که مزد یک کارگر کارخانه ایران ناسیونال درازاء کار روزانه هشت ساعت، ۶ تومان است، اگر ادعا شود که دو چیز معادل یکدیگر مبادله شده است، یعنی ارزش هشت ساعت کار همان ۶ تومان است، از روی آن می‌توان به این نتیجه رسید که کارگر مذکور بهای کار خویش را به شکل دستمزد دریافت کرده است. در این حالت کارگر هیچگونه ارزش اضافی را برای خریدار کار نمی‌کند و تولید نمی‌کند و این غیر ممکن است. زیرا در غیر این صورت نداشتی هیچگونه گسترش و انباشتی در سرمایه کارفرما حاصل گردد. روشن است که تولید سرمایه داری بدون در نظر گرفتن سود معنایی ندارد. در این میان ممکن است که

حق تعیین سرنوشت خلق‌ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

توطئه دولت برای اخراج کارمندان آگاه و مبارز

کارمندان با اتحاد و مبارزه خود این توطئه هاراختگی خواهند کرد.

بخشنامه‌های اخیر دولت، خطاب به کارکنان و پیمانکاران موسسات دولتی که طی آن دولت بازرگانان و سازمانها را ایجاد سازمانهای حفاظت و کنترل و تصفیه کارمندان ضد انقلابی و خرابکاران شده است، هرگاه با مقاومت فعال کارمندان مترقی و مبارز روبرو نگردد، عملاً منجر به تسلط فضای خفقان و غنچه‌های عقاید برادرات دولتی خواهد شد. هرگونه موفقیت عوامل ضد انقلاب در پیاده کردن چنین دستوری عملیاتی مشخصاً به معنی پامال کردن دستاوردهای است که کارمندان مبارز و آگاه در طول مبارزات و اعتصابات موفقیت آمیزشان در جریان انقلاب بدست آوردند.

اعتصابات کارمندان چه در بخش دولتی و چه خصوصی نقش موزی در پیشبرد مبارزه علیه رژیم شاه داشت. بیوسن کارمندان و کارگران وزارت نیرو، اداره مخابرات، شرکت نفت، بانک مرکزی، ناسا، دانشگاه و معلمین مبارزینش اعتصابی، بخصوص پس از ۱۷ شهریور رونق بیشتری به مبارزه داد و جبهه‌های جنبش انقلابی توده‌های محروم و زحمتکش را با هم متحد کرد. در جریان این مبارزات کارمندان پیروزی‌های دراز مدت را با محیط کار و فعالیت خود در ادارات کسب کردند. مبارزه‌ای که در گذشته عمده‌ترین وجه آن علیه دیکتاتوری برای آزادی بود، مهمترین دستاورد خود را نیز در ایجاد نهادی دموکراتیک، تصمیم‌گیری و مشاوره به بار آورد. یکی از دستاوردهای مهم کارمندان در این زمینه برخورداری از نهادهای شورایی در ادارات و تأسیسات آزادی انتقال و اظهار نظر و افشاکاری علیه آنچه که در راه پیشرفت مبارزات توده‌ها بود، از جهت دیگر کارمندی که سالمی تحت فشار و آواک، ادارات، حفاظتی، شاهنشاهی، به سکوت کشانده شده بودند و در مبارزه با رژیم شاه و اعتراض در آنجا به صدا درآمده بود و از طرف دیگر فشار زندگی قسطنطنیه را بر رویاندهای سیاسی و اجتماعی کم اعتنا کرده بود، در جریان انقلاب با پیشگامی عناصر آگاه در ادارات به بالابردن آگاهی‌های خود پرداخته و هر روز با شرکت فعالتر خود در صبر مبارزات مردم آبدیده تر می‌شدند و در این زمان بود که روحیه اعتراض و مبارزه آنان تقویت شد و افشاکاری، هرگونه حرکات ضد انقلابی از اهداف آنان به شمار می‌آید، امروز بخشنامه‌های رنگارنگ دولتی در واقع برای بردن تمام کارمندان امپراتوری و هیئت حاکمه قصد از بین بردن این دستاوردهای مبارزاتی و آوارگی این سؤال را با پدید آمدن ماهیت حاکمیت کنونی جستجو کرد. چرا که سردمداران کنونی درصدد آنند که با هرگونه صدای حق طلبی و آزادی خواهی مبارزه کرده و آنان را به اتهامات واهی و ضد مردمی، "خرابکار" به هم میزنند.

کارگران نفت بندر عباس: ما کارگران ناپیکار چگی و اتحاد به مبارزه ادامه می‌دهیم

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامیه‌ای که چندی پیش منتشر کرده‌اند به مشکلات و خواسته‌های خود اشاره کرده‌اند.

آنها در این اعلامیه که خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید گفته‌اند: بعد از انقلاب شکوهمند ملت ایران که زحمتکش و رنجبران بخصوص کارگران صنعت نفت نقش اساسی در پیروزی آن به عهده داشتند، مقرر شد حقوق ماهیانه هر کارگر ۲۵۰۰۰ ریال باشد. مابقی رئیس و معاون اداره و دیگر مسئولان با افزایش رادرباطه با چنین هدف‌های ضد مردمی خودکاری خطا و ضد انقلابی به شامی آوردند. البته از نظر حامیان سرمایه‌داری و ارتجاع حاکم هرگونه انتقاد و مبارزه اصولی در جهت آگاهی مردم می‌بایست خرابکاری در کار جمعیت و انحصار طلبان و یا حامیان سرمایه‌داری وابسته قلمداد گردد. چرا که خواست زحمتکش میهنان از اساس متفاوت است با آنچه که سرمایه‌داران داخلی و خارجی منظور دارند.

اما مبارزات کارمندان آگاه و مترقی که همیشه افشاکاری و انتقادشان از هدفهای انحصار طلبان و قشریون مافی بوده در راه تحقق آمل و آرزوهای سردمداران کنونی، در این شرایط با وجود باورهای ارتجاعی هیئت حاکمه شده است. امروز اگر کارمندان نمی‌توانند از طریق مطبوعاتی مردمی افشاکاری کنند اما هنوز چه از طریق مستقیم و چه از طریق تریبونهای نیروهای انقلابی، افشاکاری دارند و هیئت حاکمه که بگریز ندارد در جبهه با سرکوبی و خشونت‌های آگاه و مبارزان فاعل و قلم که در آن صورت مبارزات توده‌ها اشکال متفاوتی به خود خواهد گرفت. در این شرایط کارمندان آگاه و مبارزان با تکیه بر نهادهای شورایی و تأمین حق اظهار نظر و انتقاد برای تمام کارمندان صرف نظر از هرگونه تعلق ملی و مذهبی و عقیدتی و به دور از هرگونه تنگ نظری باید دست به مبارزه‌ای فعال و پیگیر در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب در زمینه آزادی‌ی بنزد در هر راه بود و فتری با توجه به شرایط موجود باید متشکل شد و مبارزه را برای کسب حقوق و آزادی‌های دموکراتیک گسترش داد. بخصوص در شرایط امروز که خطر هجوم یک جریان ارتجاعی و شبه فاشیستی از طرف قشریون انحصار طلب برای تسلط بر کارکنانهای مردمی در حال شکل گرفتن است، ضرورت چنین تشکل و مبارزات به معنی پیش‌ازین ملموس گردیده است. جلوگیری از طرح و پیاده شدن چنین بخشنامه‌های ارتجاعی و ضد مردمی که سلطه این جریان را تسهیل خواهد کرد و باید تکیه بر مبارزه و از اهمیت خاص برخوردار می‌باشد.

اجتماع کارگران چینی سازی ایربرسلان در استانداری کیلان

رشت - بیش از ۵۰ تن از کارگران چینی سازی "ایربرسلان" که خواهان دریافت حقوق عقب افتاده و ماهیانه تفاوت حقوق و خواسته‌های رفاهی هستند در تاریخ ۱۲ شهریور ماه در محل استانداری کیلان اجتماع کردند. کارگران چینی سازی "ایربرسلان" در ماههای گذشته مبارزات گسترده‌ای جهت به دست آوردن حقوق خود داشتند و در نتیجه این مبارزات متشکل و یکپارچه شدند.

بندرانزلی - کارگران خیاط بندرانزلی در تاریخ ۳ شهریور ماه ۵۸ در یک گردمانی به منظور گرفتن حقوق مسلم خود و جلوگیری از هرگونه نابرابری تصمیم به ایجاد سندیکای کارگران خیاط گرفته‌اند. در این جلسه نمایندگان خود را انتخاب کردند و مورجلسه را در تاریخ ۱۱ شهریور ۵۸ به فرمانداری و شهرداری بندرانزلی ارسال داشتند. کارگران خیاط بندرانزلی به وسیله موجودیت سندیکای کارگران خیاط را اعلام کردند. تعدادی از خواسته‌های ابتدائی و اساسی کارگران خیاط به شرح زیر است: ۱- سندیکای کارگران خیاط شهرستان انزلی تسهیل نمایند و واقعی کارگران خیاط این شهر می‌باشند و باید از جانب مقامات مسئول به رسمیت شناخته شود. ۲- کارگران خیاط باید از هر خصی سالانه کارگری و همچنین حق استفاده از تعطیلات رسمی و تعطیل جمعه‌ها استفاده‌دار حقوق بهره مند شوند. ۳- کارگران خیاط باید از هر خصی سه درمائی و خدمات اجتماعی و حق اولاد برخوردار شوند.

کارگران یسرو: آقای بازرگان کارگران زورگو نیستند

حلق قهرمان ایران، توده‌های عظیم مردم، دهقانان و کارگران و دیگر زحمتکشان رژیم دیکتاتوری و ضد کارگری آریامهری را به زباله‌دان تاریخ افکندند. هم وطنان عزیز نقش سرنوشت ساز کارگران را در اولین مرحله پیروزی به خوبی می‌دانند و شما (رئیس دولت) نیز کاملاً به این امر واقفید. بازوان بیرون کارگران، رژیم شاه را سرنگون و شمارا به کرسی صدارت رساند. هنوز مردم فراموش نکرده‌اند که چگونه کارگران مبارز صنعت نفت با اعتصابات ستونهای قدرت حاکم را لرزاندند و به جنبش انقلابی خلق توان بخشیدند.

آقای بازرگان: شامپرت از هر کسی این موضوع را می‌پسند. اما چه شده است که بعد از گذشت شش ماه در کارخانه‌ها و کارگاهها و محل مقدس کار کارگران، افراد مسلح ضد شورش و اعتصاب جای ماورن حفاظت ساواکی را گرفتند؟ حق اعتصاب که جزو حقوق اولیه کارگران است ممنوع و مطلقاً ضد انقلابی

بافریب کاری و دروغ کارگران ناآگاه را به کردستان کشاندند

تهران - در جریان حملات ناجوانمردانه مرتجعین و عاملان سرسپرده امپریالیسم به خلق کرد، گروهی از جوانان ناآگاه که از ماهیت این اقدام ضد انقلابی و غیر انسانی بی‌خبر بودند، "آلت دست" مرتجعین قرار گرفتند و به صحنه نبرد کشیده شدند. در بسیاری از کارخانجات تبلیغات دامنه داری انجام گرفت و از بعضی کارگران ناآگاه خواسته شد برای سرکوب خلق کرده به آن منطقه بروند طبق خبر رسیده، در کارخانه "جنرال موتورز" تحت این عنوان که شرکت از جنگ یک فریضه دینی است، پانزده

تحصن کارگران شرکت واحد

بیش از چهار هزار نفر از کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد که به خاطر افزایش دستمزد به مدت دو شب از تاریخ ۱۸ شهریور در مراکز مناطق چهارگانه شرکت واحد تحصن شده بودند، پس از مذاکره با نماینده دولت بطور موقت دست از تحصن کشیدن برداشتند. مهربانان دولت به مدت دوازده روز از آنها را به مرحله اجرایی در آورد.

کارگران متحدین که برای جلوگیری از کارکنی در کار مردم شانه‌ها متحصن شدند از مدتی پیش خواسته‌هایشان را با مدیر عامل شرکت واحد در میان گذاشته بودند. اما به گفته کارگران، مدیر عامل شرکت واحد که در گذشته نبردارای مقامی در دستگاه دولتی بوده است به خواست آنها توجیهی نگردود و مقابل تقاضاهای مکرر کارگران همواره مسئله نداشتن بودجه مطرح کرده است. در حالی که افزایش حقوق کارگران به میزان ۱۴ تومان و سه ریال چند ماه پیش توسط شهرداری عالی کار تصویب شده و به همین دلیل بودجه لازم در اختیار سازمانهای دولتی قرار گرفته بود. کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی همی راننده‌ها، کمک راننده‌ها، لیبظ فروش و شوا تعمیر کاران خواهان دریافت بایه ترفیع و دریافت اضافه حقوق عقب افتاده از تاریخ ۱ شهریور ۵۷. افزایش حقوق، استخدام رسمی، سه شیفت کار کردن (کاهش ساعات کار) و تأمین مسکن و بیمه هستند. کارگران در مورد مذاکراتشان با نماینده دولت و نقش سندیکا گفتند که نماینده دولت به آنها قول داده به خواستشان رسیدگی کند اما سندیکاهما سندیکای فرمایشی سابق است و به خواسته‌های کارگران توجیهی نمی‌کند.

می‌دانید. اعلام خواسته‌های کارگران زورگویی به حساب می‌آید (جالب است زورگویی کارگران زحمتکش علیه دولت حاکم). آقای بازرگان: تهدید کارگران به اخراج و سرکوبی نشانه انقلابی بودن نیست. اگر بود همه دولت‌های قبلی نیز انقلابی بودند. دولت شامبه سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم خونخوار میلیون میلیون وام می‌دهد. ولی جواب خواسته‌های به حق کارگران صلاح با تهدید و آوار عصاب و جفا تکفیر داده می‌شود. آقای بازرگان، دولت‌های قبلی از سرکوب کارگران فقط تجربه تلخ سرتگون شدن را چشیدند.

پیروزی مبارزات حق طلبانه کارگران برای احقاق حقوقشان مرگ برای امپریالیسم و نوکریان داخلی است. کارگران بهیروز ۱۴ شهریور ۵۸

کارگر را به کردستان فرستادند و اطلاعیه زیر را در محل کارخانه نصب کردند. "طبق دستور امام، ۱۵ کارگر (شیفت روز) در تیم های پزشکی و نظا می روز دوشنبه ۱۲ شهریور ۵۸ برای سرکوبی به کردستان اعزام شدند." کارگران مبارز و آگاه کارخانه جنرال موتورز ضمن اعتراض به این اقدام، دست به افشاکاری زدند و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع و تبلیغات فریبکارانه آنها را که موجب سرکوبی موتورز تحت این عنوان که شرکت از جنگ یک فریضه دینی است، پانزده

سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلق

وزارت فرهنگ، تفریح و هنر جمهوری اسلامی ایران
دفترت وزیر فرهنگ و هنر
بخش رسانه
بندرانزلی، پانزدهم شهریور ۱۳۵۸
نظر بانگ بخش از کارمندان دولت بهیاز، هم‌آهنگی با ملت و انقلاب اسلامی و با غنچه‌های دولت پیروان اسلامی به تملک و کمکاری سربردارند و احیاناً شرکت اند... راف و انتشارات ضد انقلاب، و خرابکاری بیگانه‌پروری دانه که اولاً مزاحمت شده بکار برنده و ثانیاً بدون شامج و تسلط خنثی‌کاران و خرابکاران را برکنار و تحت تعقیب قرار دهند، دستیز نرمانند این بخشنامه به دستکشی‌های تا به مرکز و شهرستانها ابلاغ و نتیجه آن اعلام گردد.



پیام به کارگران و کارکنان سازمان گوشت

ضدکارگری، حمله به محل تجمع کارگران و سندیگاهها، اخراج کارگران میساراز کارخانه، حمله به خلق گردوگشتکار بی رحمانه آنها، معاصی کبیره هستند. ما ایمان داریم نقشه‌هایی که برای کارکنی و سرکوب اعتصاب شما تنظیم می شود، هیچوقت نمی توانستند سدی در مقابل خواسته های برحق تان باشند. در ایام استوار شما خللی به وجود آورد.

گروهی از کارگران پیشرو تهران
۱۵ شهریور ۵۸

ایرانی که زحمتکشان، راس کار باشند، نه اقلیت سرمایه دار، تا مانی زحمتکشان می دانند که مهر ضدانقلابی زدن به کارکنی که برای حقوق خود مبارزه می کنند، حمله و توطئه جدیدی است. سرمایه دارانی که زحمتکشان ترسین و محرومترین انسانها را مجبور به اعتراض و تحمیل می کنند خود مجرم و ضدانقلابی هستند. زحمتکشان و کارگران می دانند که اعتصاب و تحمیل معاصی کبیره نیست. سرکوب کارگران و زحمتکشان، هجوم افراد مسلح به محل کار، تنظیم قوانین

تلاش شما برای احقاق حقوق و خواسته ها و مبارزه شما علیه زورگرایی و معامات ضدکارگری و بیادبختی کلیه کارگران و زحمتکشان است. ما کارگران از اعتصابات و حق طلبی - ایستادن با تمام قوا پشتیبانی می کنیم. باشد تا مبارزه مشترک ما کارگران و زحمتکشان سرمایه داران و معامات ضدکارگری (چه دولتی و چه غیردولتی) را نابود کرده و ایرانی دموکراتیک و آزاد از قید و بند تمام این سرمایه داران و مفتخوران بسازیم.

گزارش اعتصاب کارگران و کارکنان کشتارگاه تهران

تهدید کارگران و به راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه کارگران و زحمتکشان مقدمه برای سرکوب عملی کارگران بود. (سرکوب مبارزات کارگری). ضدانقلابی شمردن کارگران مبارز و اخراج آنها و خفه کردن ندای حق طلبانه آنها، توطئه ای است برای میدان دادن به سرمایه داران. و بالاخره سرکوب اعتصاب کارگران و کارکنان کشتارگاهها مقدمه ای است برای سرکوب کارگران دیگر کارخانه ها و کارگاهها در روز نوبت کارگران کارخانه ذوب آهن و صنعت نفت، امروز نوبت سرکوب کارگران و کارکنان کشتارگاه و فردا با کمال بی شرمی نوبت خفه کردن ندای حق طلبانه دیگر کارکنان و کارگران. پشتیبانی از خواسته های به حق ما (کارگران و کارکنان کشتارگاه) که چیزی جز:

بعد اتومبیل کلانتری منطقه و پاساژان نیروهای ضربتی و سرکوبگر خود را در محل کارا اعتصابیون مستقر ساختند. عبور و مرور به داخل محوطه و ساختمان کشتارگاه تحت کنترل افراد مسلح قرار گرفت. در ظهر همین روز منطقه کاملاً نظامی شد. وجود دوتن از پاساژداران مسلح در دوطرف در ورودی کشتارگاه و اتوبوس نظامی پارک شده در جلوی دربی شباهت به پادگان نظامی نبود. کارگران و دیگر کارکنان این روز را در اعتصاب به سر بردیم. روز چهارشنبه روزنامه های با مداد و کپشان دست به چاپ دروغ های بی شرمانه ای در مورد کارکنان و کارکنان عامل سازمان گوشت توسط کارکنان زدند و بدینوسیله حرفهای آقای بازرگان را تائید کرده و به خیال خودشان فریاد می زدند. اعتصاب کارگران وارد آوردند. به راستی از روزنامه دولتی کپشان نیز جرابی این توان انتظار داشت. روزنامه ای که پس از دولتی شدن مداح دهن چاکر رژیم حاکم شد کارگری جز فریاد زدن به آرمان زحمتکشان نداشت است.

ما کارگران و کارکنان کشتارگاه تهران در زمان رژیم سابق روزی ۲ ساعت اضافه کاری داشتیم که این اضافه کاری بنایسه تقاضای دولت جدید به دو ساعت کاهش پیدا کرد. از مرداد ماه حتی دو ساعت اضافه کاری مقرر نیز به کارگران پرداخت نشد و عملاً از حقوق هر یک از کارکنان و کارکنان ماهانه مبلغ ۱۲۰۰ تومان کم شد. این کسر شدن حقوق با شرایط کارکنی و کم پولی موجود مورد اعتراض کارکنان قرار گرفت. در روز یکشنبه (۱۱ شهریور ماه) تصمیم به اقدام برای احقاق حقوقمان گرفتیم. در این روز کارکنان و دیگر کارکنان که لغو اضافه کاری شاملشان می شد دست به کم کاری زده و قرار بر این شد که روزانه فقط به اندازه سهمیه به ما تسلیحات کشتار شود. ساعت ۲ بعد از ظهر نماینده کارکنان و کارکنان برای مذاکره پیش نماینده دولت می روند و نماینده دولت در کمال بی اعتنائی صریحاً از خواسته هایمان اظهار بی اطلاعی می کند و بدون مقدمه در جواب خواسته هایمان ما را ضدانقلاب و مزاحم و تحریک کننده می خواند. دروغگویی ها و بی اعتنائی نماینده دولت که به حق خاطرات دوران رژیم ضدکارگری را به خاطر می آورد موجب نااحتی نمایندگان شده از آنجا خارج می شوند. در عصر همین روز آقای بازرگان در نطق رادیو - تلویزیونی اش کارکنان را مورد تهنیت بدترین تهدیدها می آورد و صدارتش قرار داد و بدینوسیله مقدمات سرکوب اعتصاب را فراهم آورد. صبح روز

این است منطق دولت: کارگران کشتارگاه چون حق خود را می خواهند ضد انقلابی هستند

بدر فاصله روزهای هشتم تا دوازدهم شهریور ماه حقوق مردمان را (با قطع اضافه کاری) و چند روز برتر از ماههای قبل (دریافت کردیم، اجتماعی تشکیل دادیم و خواهان دریافت اضافه کاری و اجزای مفاد قرارداد سابق شدیم. قسمتی از خواسته های ما کارکنان کشتارگاه به شرح زیر است.

- ۱- پرداخت حق اضافه کاری که از ماه گذشته قطع شده است.
 - ۲- اجرای قراردادهای سابق که کارکنان بر اثر مبارزات خود به دست آورده اند.
 - ۳- پرداخت حداقل دستمزد جدید که وزارت کار تعیین کرده است.
 - ۴- پرداخت حق مسکن، حقوق خواربار و اولاد.
 - ۵- افزایش ضریب حقوق و اجزای طرح طبقه بندی مشاغل.
 - ۶- تصفیه سازمان گوشت و کشتارگاه از عوامل مزدور سابق و کسانی که برخلاف منافع کارکنان اقدام کرده اند.
- به هر حال اجتماع ماکه جنبه سالم است از دست با تهدید مأموران کمیته روبرو شد. بلافاصله معاون سرپرست کمیته ها به کشتارگاه آمد و وعده ای از پاساژداران نیز شروع به آمد و رفت کردند. کارکنان گفتند که ما موازین کمیته حقوق دخالت در کار آنها را نداریم و باید مجمل کشتارگاه را ترک کنند. اما آنها چند تن از نمایندگان ما را به کمیته بردند و در آنجا به وسیله چند نفر که قبلاً ساواکی بودند و کارکنان آنها را خوب می شناسند، تهدید به قتل کردند. یکی از آن ساواکی ها که امروز در کمیته هم کاره است، گفته بود:

"شماره از بالای ساختمان به پایین برت می کنیم و با اینکه به سلسلستان می بندیم ... کارکنان که به نمایندگان خود ایمان دارند، سعی کردند مبارزه را از راههای سالم امتز و بدون درگیری پیش ببرند، اما عوامل مزدور ساواکی های سابق مرتباً توطئه چینی کردند و علیه ما تهاجمات به تبلیغات زدند تا جایی که رئیس دولت مارا ضد انقلابی قلمداد کرد. روز ۱۲ شهریور کارکنان دست نپیچ و کشتارگاه محدود به ۵ نفر میخونند و از چند روز پیش مقامات مختلف (ماوروز و کثابوزی، رئیس سازمان گوشت و سایر مسئولان سازمان) مذاکره کرده و به نتیجه رسیده بودند، شروع به "کم کاری" کردند. هدف کارکنان از این عمل تحت فشار قراردادن مسئولان و به دست آوردن حداقل حقوق خود بود. بلافاصله پس از این اقدام برحق کارکنان، موج حملات ناچوانراندانه و تبلیغاتی دروغین آغاز شد. کسانی که ما را متهم کرده اند، از مسائل و مشکلات ما آگاه هستند. ظلم و ستمی را که بر ما روا شده می دانند و لای می خواهند با این عمل خود کارکنان را برسانند و آنها را از مبارزه دور کنند. اما این عوامل مزدور بداندند ما کارکنان هیچگاه بر ضد منافع مردم و مصالح انقلاب قدمی بر نمی داریم و حاضر هستیم جان خود را نیز در راه زحمتکشان قربانی کنیم. اما در عین حال اجازه نمی دهیم حقوقمان پایمال شود و مزدوران و مرتجعین مانند گذشته خون ما را بکشند. ما کارکنان در روز دوازدهم شهریور که شروع به کم کاری و اعتراض کردیم به این مسئله توجه داشتیم که نیازهای بیمارستانها و مراکز مشابه آن را تامین کنیم و این کار کردیم. حال کسانی که یک عمر است برخلاف منافع مردم قدم برداشته اند می خواهند دوباره مثل گذشته جهاولگری کنند. ما را "ضد انقلابی" می خوانند.

به هر حال کارکنان مبارز کشتارگاه جزبمان حقیقت و حداقل خواسته های خود چیزی نمی خواهند و از تهدید و فشار عوامل مزدور نیز نمی هراسند و تار سیدن به این خواسته ها به مبارزه ادامه می دهند.

"اضافه کاری مقرب - حقوق اولاد حق مسکن ... که خواسته همه کارکنان است، نیست، سدی بزرگ جلوی سورش کسرتده سرمایه داران ایجاد کنیم .."

هر چه مستحکمتر باد هم بستگی کارکنان و زحمتکشان در راه مبارزه برای احقاق حقوقشان مرک بر می ریزیم و توکل را داخلی

کارکنان و کارکنان پیشرو کشتارگاه ۱۵ شهریور ۵۸

تنها مرتجعین با آزادی ...

باز کردن مشت فرصت طلبان و مرتجعینی که فایز کارکنان و دهقانان و سایر زحمتکشان، خود را انقلابی جامی زند ولی در عمل در خدمت به تجار و سرمایه داران بزرگ هستند، هدف عمده این روزنامه بوده است. ارتجاع همیشه برای فریب توده ها به دروغ متوسل می شود و می گوید: "آنهاست که از آزادی و دموکراسی حرف می زنند، می خواهند فحشاء آزاد باشد، شوابخواری آزاد باشد، دختر و پسر آزادانه در کنار دریا در هم بولولند و ما با آن مخالفیم. مامی گوئیم این حرفها مال کسانی است که نمی خواهند آزادی و دموکراسی برقرار شود. پایه های این حکومت بر ناآگاهی توده ها استوار است. چنین حکومتی چگونه می تواند صدقانه سخن بگوید و بگذارد هر کس آزادانه حرفش را بزند و گرنه چه دلیلی دارد که آشکارا می گویند "مرد کتابها را میخواند" و پنهانی می گویند "مرد آنها را میسوزاند" و در این راه از تمام تجربه های چند هزار ساله خود سود می جویند؟ آنها می گویند: "آزادی دادیم سو" استفاده شد، پس گرفتیم آنها آزادی هاست کسی را که خلق قهرمان ما مبارزه خونین خود کب کرده است، آزادی اهدائی خود می دانند. ارتجاع خود اعتراف می کند که به بهانه واهی سو استفاده از آزادی خود آزادی را به بند کشیده است. قزنهاست که دشمنان مردم برای به بند کشیدن مردم زحمتکش را به این حمله ها متوسل می شوند تا طبقات حاکم بتوانند مردم زحمتکش را بچاپند و عیش و عشرت رانصیب کنند و فقر و محرومیت را نصیب کسانی کنند که کار می کنند و با دستهای خود همه نعمات مادی را برای ابدامه سبای بشریت تولید می کنند.

خود برانگیخت. آنها برای ادا همه سرکوب مبارزات حق طلبانه کارکنان و زحمتکشان و همه خلقهای ستمدیده ایران، می بایست اول روزنامه ها را تعطیل می کردند و دفاتر سازمانهای سیاسی را می بستند و تلویزیون را خفه می کردند تا کسی صدایش در نیاید. تا ما با مردم از جناباتی که قرار بود در کردستان مرتکب شوند باخبر شوند هنگامی که خلق مبارز کرد حقوق حقه خود را مطالبه می کند و بران پای می فشارد هیئت حاکمه به جای بر آوردن خواسته های آنان به قتل کشتی نظامی و خفه کردن صدای مردم کردستان، به زور توپ و تانک و فانتوم متوسل می شود. آنها در راه سرکوب خلق کرد از هیچ وسیله و روشی استفاده نمی کنند. بهترین فرزندان خلق کرد را دست بسته بدون محاکمه به جوخه های اعدام می بردند و خاطر و وحشی گری های جلادان را با مهری رازنده کردند. آنها بیکره نیمه جان و خونین رفیق شهیدنا هید را روی برانکار د به میدان تیر بردند و چنانچه عکسها نشان می دهند روی برانکار تیرباران را کرده اند. آنها اسیری را روی برانکار رد به میدان تیر بردند که شتر شکنجه قادر نبوده است روی پاهای خود بایستد. او را خوابانند و تیرباران کردند. آنها زنان کرد را "اسیر حربی" عرمد و تخراب و به آنها را تحت پوشش قوانین شرع جایز شمرده اند. پاساژداران انقلاب با سینه کودکان، تعزین تیر اندازی کرده اند. شیخ خلخال، آذرگشسب دارایی، کودک ۱۲ ساله را محارب با خدا و مقدس فی الارض شداخته و او را اعدام کرده است. شیخ خلخالی در سفر در حین بازجوگی از آذرگشسب ۱۲ ساله با وفاتی و توهین کرد و آذرگشسب در حالی که دستهایش را بسته بودند به روی خلخالی تف می کنند. خلخال، بازجوئی را قلم و دستوری دهد

خود برانگیخت. آنها برای ادا همه سرکوب مبارزات حق طلبانه کارکنان و زحمتکشان و همه خلقهای ستمدیده ایران، می بایست اول روزنامه ها را تعطیل می کردند و دفاتر سازمانهای سیاسی را می بستند و تلویزیون را خفه می کردند تا کسی صدایش در نیاید. تا ما با مردم از جناباتی که قرار بود در کردستان مرتکب شوند باخبر شوند هنگامی که خلق مبارز کرد حقوق حقه خود را مطالبه می کند و بران پای می فشارد هیئت حاکمه به جای بر آوردن خواسته های آنان به قتل کشتی نظامی و خفه کردن صدای مردم کردستان، به زور توپ و تانک و فانتوم متوسل می شود. آنها در راه سرکوب خلق کرد از هیچ وسیله و روشی استفاده نمی کنند. بهترین فرزندان خلق کرد را دست بسته بدون محاکمه به جوخه های اعدام می بردند و خاطر و وحشی گری های جلادان را با مهری رازنده کردند. آنها بیکره نیمه جان و خونین رفیق شهیدنا هید را روی برانکار د به میدان تیر بردند و چنانچه عکسها نشان می دهند روی برانکار تیرباران را کرده اند. آنها اسیری را روی برانکار رد به میدان تیر بردند که شتر شکنجه قادر نبوده است روی پاهای خود بایستد. او را خوابانند و تیرباران کردند. آنها زنان کرد را "اسیر حربی" عرمد و تخراب و به آنها را تحت پوشش قوانین شرع جایز شمرده اند. پاساژداران انقلاب با سینه کودکان، تعزین تیر اندازی کرده اند. شیخ خلخال، آذرگشسب دارایی، کودک ۱۲ ساله را محارب با خدا و مقدس فی الارض شداخته و او را اعدام کرده است. شیخ خلخالی در سفر در حین بازجوگی از آذرگشسب ۱۲ ساله با وفاتی و توهین کرد و آذرگشسب در حالی که دستهایش را بسته بودند به روی خلخالی تف می کنند. خلخال، بازجوئی را قلم و دستوری دهد

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

انتشار خبرنامه شاخه خوزستان سازمان چریکهای فدایی خلق

● دستگیریهای متعدد عناصر آزادیخواه
و مبارزان در اهواز

اولین شماره "خبرنامه شاخه خوزستان" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز جمعه هشت شهریور ۵۸ منتشر شد. در سرمقاله این خبرنامه می خوانیم:

"... ما بر آنیم که کتابهای ما را به تاراج داد و کتابفروشی ها را به آتش کشید و انباشته راهزنگر، خلقی ها را می توان به خاک و خون کشید و لوسی اسارت ملت ها را نمی توان همیشگی کرد. شمشیر "داموکلس" قانون ضد کارگری را می توان دگر بار بر فراز سر کارگران آویزان کرد ولی "کار" را نمی توان دگر بار از گداز محسن سرمایه نگاه داشته رهائی خلق ها از دست ملی و کار از قبیل سرمایه و پیروزی آگاهی بر ارتجاع و خلق بر امپریالیسم، ضرورتی است که نیروهای وابسته به ارتجاع اگر چه ناخواسته و جبراً دیر یا زود به قبول آن تن خواهند داد. این جبر تاریخ است و ما نیز این گفته رفیق کبیر "هوشی من" را نیک به خاطر داریم که بین ما و امپریالیسم دره زرفی است که می بایست با خاکستر ما برگرود از مرگ چه باک؟ آنجا که مرگ بشارت آزادی است و خون غنای آگاهی، ما فدائیان خلق جان بر سر این باور خویش گذاشته ایم...

انتشار این خبرنامه گام مهمی در جهت رسانیدن خبر، در شرایط اختناق کنونی به گوش زحمتکشان می باشد. در این خبرنامه خبرها و اسامی از دستگیری های آزادیخواهان در اهواز آمده است که در زیر می خوانیم.

دستگیری یک رفیق فدائی یک فدائی خلق به نام شجاع الدین شکیان از روز دوم شهریور در اهواز توسط مأمورین کمیته دستگیر شده است. او که سابقه طولانی مبارزاتی علیه رژیم شاه خائن دارد در برابر راه متحمل شکنجه ها و شکنجه های زنده شده بود، بدین هیچ جرم و اتهامی در بازداشت به سر می برد. مأمون اعتراض به دستگیری اوخواهان آزادی هر چه سریعتر این مبارز فدائی هستیم.

کارکنان پیشگام مخابرات:

کارکنان پیشگام شرکت مخابرات در بهانه ای که مدتی پیش منتشر کردند فاش ساختند که تلفن های مردم مانند سایر ایستگاه های مخابراتی می شود و وسایل ارتباطی ساواک (تلفن، تلکسی بی سیم خصوصی، اف، ایکس و سایر مدارات) دست نخورده باقی مانده و مشغول به کار هستند. کارکنان پیشگام شرکت مخابرات یادآور شدند:

بسیاری از مخابرات کل و روسای خائن وفادار مخابرات که همکاری نزدیک با ساواک داشتند و در زمینه های ارتباطی و مخابراتی به ساواک کمک های موثر می کردند، همچنان بر سر کار هستند و همان خدمات را برای احکامات موجود انجام می دهند. در بهانه ای که پیشگام مخابرات مکرر می گوید ماطمیت شورای عمومی

کارگران دباغی تبریز:

اداره کار حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید

کارگران دباغ و حلاج عضو سندیکای کارگران دباغ برای گرفتن حداقل دستمزد که از طرف اداره کار اعلام شده و بخشنامه مربوط به آن نیز صادر شده است، تاکنون چندین بار به کارفرمایان اداره کار و استانداری یو کمیته های اسلامی مراجعه نمودند ولی تا امروز هیچ پولی بابت حقوقشان به آنها داده نشده است. دستمزد کارگران دباغی خیلی کم است. و اخیراً از طرف دولت اعلام شده است که حداقل دستمزد کارگران نباید کمتر از ۲۶۰ ریال باشد و مابه التفاوت طلب کارگران نیز باید از اول فروردین سال

کارخانجات مهمات سازی با حداکثر ظرفیت کار می کنند

کارخانجات اسلحه سازی و مهمات سازی در یکی دو ماه اخیر و ویژه پس از وقایع کردستان با ظرفیت زیاد مشغول کار هستند و نیروهای سرکوبگر ضد خلقی که در دولت ارتش نفوذ دارند برای تولید بیشتر فنارزایی برای کارگران این کارخانجات وارد می آورند.

بسیاری از پرسنل انقلابی این کارخانجات که در جریان قیام همراه بنا مردم بودند و با اعتصاب و کم کاری سطح تولیدات نظامی را پایین می آورند امروز با این مسئله روبرو هستند که دولت ارتش این همه تجهیزات و مهمات را برای چه می خواهد؟ در حالی که بسیاری از کارخانجات صنعتی و تولیدی تعطیل هستند و با باکمی مواد اولیه روبرو می باشند، چه دلیلی دارد که کارخانجات مهمات سازی با ظرفیت زیاد به کار مشغول شوند و مواد اولیه شان نیز به راحتی تامین شود؟ (لازم به یادآوری است که بیشتر مواد اولیه این کارخانجات از آمریکا تامین می شوند).

بر اساس یک خبر رسیده رقصی از کارخانجات مهمات سازی سلطنت آسپاه روزانه ۹۰۰۰ جعبه فشنگ و ۵۰۰۰ پرتابه تولید می شود. مواد و لوازم جنگی ساخته می شود در سالهای گذشته این کارخانجات روزانه ۳۰۰۰ جعبه فشنگ می ساختند. یعنی در حال حاضر تولید آن سه برابر شده است.

گزارشی از تحصن مردم عجب شهر به عنوان اعتراض به دادگاه انقلاب اسلامی

از روز شنبه ۳ شهریور ۵۸ بمقوا هاشمی به درود یورش بر چسبانده شده بود. دایره برای اعتراض علیه دادگاه انقلاب اسلامی تبریز ساعت ۹ صبح روز ۴ شهریور ۵۸ در میدان مسجد جامع جمع می شویم. توضیح اینکه در جریان کشتار رژیم جنایتکار سابق ۴ نفر در عجبشیر شهید شدند. که دادگاه انقلاب اسلامی نتوانست عوامل اصلی را که سر تپ علی گوشه و سرگرد گلگلان فروآمینیان را اصلاحه یق میز محاکمه نکند. بلکه به سرگرد گلگلان ترغیب درجه درجه را با باغی گوشه به مناطق پد آب و هوای کشور (تهران) تبعید شدند. دادگاه چند ارتشی رتبه پایین راه حبس های ۴-۱۵ سال محکوم نمود. این اعمال دادگاه باعث شده که مردم بی بر بند که ارتش همان ارتش سابق است و هیچ تغییری نکرده است. کارگری می گفت: "به خدا پرگشتن این ارتشی ها به طرف انقلاب دروغ است. پدروخته ها شاهچی هستند ولی از ترس مردم خود را مسلمان کرده اند."

روز یکشنبه ۶ شهریور ۵۸ تمام مغازه های عجبشیر به حال تعطیل درآمد. جوانان و تعدادی از کارگران جوان شهر حرکت کردند و سپس در سه راه وسط خیابان تحصن کردند. امام جمعه شهر "شادبادی" که برای بهم زدن تحصن آمده بود، وقتی شنید که مردم اطلاع دارند که وی ۱۵ روز جلاد شهید عجبشیر را در خانه اش قایم کرده بود، به سرعت فرار را برقرار ترجیح داد. شعارها بیشتر در اطراف اعدام سرتپ علی گوشه و گلگلان فروآمینیان دور می زد.

عزیزترین فرزندان خلق را به جوخه های اعدام ...

بمیدان دیریک خانواده عشایری (بافت کرمان) به دنیا آمد و همراه دیگر همسالانش کودکی را در شرایط سخت بهیلاق و قشلاق گذراند. هنگامی که ده ساله بود پدرش را ز دست داد و از این زمان همراه برادرش علی، بار سنگین زندگی را به دوش گرفت. سیدضمن کار، تحصیل راه را نکرده. او که مدتی در کار چوپانی بود از شرایط ناسازگار زندگی چوپانان و زحمتکشان روستا تاثیر پذیرفت و نخستین بار قهاری آگاهی سیاسی و طبقاتی در این دوران در او درخشان گرفت. سیدضمن خلی زود به فعالیت های انقلابی کشیده شد و کار سیاسی را با علاقه آغاز نمود. موفقی که در کلاس چهارم و پنجم متوسطه بود، هسته های مطالعاتی را در مدرسه "شهاب" و "دانش" کرمان سازمان داد. در این سالها او در هر فرصت مناسب برای کشاورزان و چوپانان کتاب می خواند. پیگیری و شور انقلابی او تا آنجا بود که در سال ششم متوسطه سید را از دبیرستان اخراج کردند که با اعتراض همکلاسی هایش مواجه گردیدند. سید تحصیلات متوسطه را در کلاس های شبانه به پایان رساند و در تربیت معلم کرمان به ادامه تحصیل مشغول شد. در سال ۵۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و از آنجا که در آنجا به عنوان یکی از چهره های فعال مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی شناخته شد.

او در سال دوم دانشکده، در اوایل سال ۵۶، وارد دانشکده دست کشید و برای بالا بردن سطح آگاهی کارگران روانه کارخانه هاشمی شد. سید با تشکیل محفل کارگری - روشنفکری - ابتدا در کارگاه های کوچک و کوره بزخانه ها و سپس در کارخانه الکترود و ... فعالیت های سیاسی و انقلابی خود را پی گیری کرد. او می گفت: کارخانه تبار باورنی است که با خون و فقر و شکنجه عجبشیر شده و انفجار انقلابی آن رهائی تمام خلقهای تحت ستم را تضمین می کند.

سید از او اسطاسال ۵۷ که نطفه های فنام قهر آمیز مردم در شرف تکوین و تکامل بود، با بصیرت سیاسی بر اساس تحلیل مشخصی که از اوضاع داشت به این نتیجه رسید که مرکز ثقل مبارزات کارگران اکنون از کارخانه هاشمی به کارگاه های خیابانی انتقال یافته است و تحت چنین شرایطی پیشاهنگ انقلابی موظف است به مدارک تشکیلاتی و سیاسی و نظامی قیام برداشته و در ارتقا سطح آگاهی توده های قیام کننده بکوشد. هدف های انقلاب راه توده کارگران و زحمتکشان بهشتانند و دشمنان انقلاب را فاش سازد و با طرح شعارهای ضروری به مثابه دیده بان، و چراغ راهنمای قیام توده ها اقدام نماید.

رفیق سید به حکم همین درک خلقی و همدوش خلقهای قهرمان میهن فعالانه در قیام شرکت نمود. در تخمیر پادگان عشرت آباد و دیگر پادگانهای تهران نقش موثری بر عهده گرفت. او سه شانه روز در سنگر میدان فوزه سابق پادشمان قیام توده های زحمتکش جنگ کرد.

امازمانی که میوه چینیان انقلاب در آن هنگام که قیام شکوهند مردم زحمتکش می رفت تاجر بنیاد ظالمانه ای را براندازد، دزدانه به سوی قدرت خزیدند در آن هنگام که با استفاده از احساسات مذهبی مردم، شریع به فریب مردم کردند و نابودی دستاوردهای قیام، یکی پس از دیگری آغاز شد. آن هنگامی که سرکوب کارگران، دهقانان و روستاییان انقلابی، چهره پوشیده به قدرت خزیدگان را آشکار ساخت، رفیق سید به جای نومیدی، پیگیرانه کمر به مبارزه ای بی امان بست. او با شناخت ضعف های اساسی قیام بهمین ۵۷، این باور در بین خود را به خدمت گرفت که "یکانه راه راهشسی از ستم امپریالیسم و همدستان داخلی آن بسنج توده های تحت ستم به رهبری طبقه کارگری باشد" بدین ترتیب بود که رفیق فعالیت سیاسی - تشکیلاتی خود را در میان کارگران جهت ایجاد حزب

بمیدان دیریک خانواده عشایری (بافت کرمان) به دنیا آمد و همراه دیگر همسالانش کودکی را در شرایط سخت بهیلاق و قشلاق گذراند. هنگامی که ده ساله بود پدرش را ز دست داد و از این زمان همراه برادرش علی، بار سنگین زندگی را به دوش گرفت. سیدضمن کار، تحصیل راه را نکرده. او که مدتی در کار چوپانی بود از شرایط ناسازگار زندگی چوپانان و زحمتکشان روستا تاثیر پذیرفت و نخستین بار قهاری آگاهی سیاسی و طبقاتی در این دوران در او درخشان گرفت. سیدضمن خلی زود به فعالیت های انقلابی کشیده شد و کار سیاسی را با علاقه آغاز نمود. موفقی که در کلاس چهارم و پنجم متوسطه بود، هسته های مطالعاتی را در مدرسه "شهاب" و "دانش" کرمان سازمان داد. در این سالها او در هر فرصت مناسب برای کشاورزان و چوپانان کتاب می خواند. پیگیری و شور انقلابی او تا آنجا بود که در سال ششم متوسطه سید را از دبیرستان اخراج کردند که با اعتراض همکلاسی هایش مواجه گردیدند. سید تحصیلات متوسطه را در کلاس های شبانه به پایان رساند و در تربیت معلم کرمان به ادامه تحصیل مشغول شد. در سال ۵۴ وارد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شد و از آنجا که در آنجا به عنوان یکی از چهره های فعال مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی شناخته شد.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

طبقه کارگر، این ستاد رزمنده کارگران بیش از پیش گسترش داد. سید اعتقاد داشت که "می بایست با بنیاد جامعه پیوند با هم" "اوپوسته کارمندی در کارخانه را بسا با موختن و آموزش دادن پیوند می زد. چرا که اعتقاد داشت اقدام انقلابی بدون تئوری انقلابی راه راه پیروان می برد. در این هنگام رفیق سید به شهر خود کرمان بازگشت و در نخستین اقدام مذهبی توده های زحمتکش، در جهت تحقق هدفهای اجتماعی و ضد مردمی خود استفاده می کند. مبارزه ای بی امانی را آغاز می نماید. از جانب نیروهای مترجم شهر در معرض جوی از حمله و تهمت و افترا واقع شد و بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما سید راه را با مردم همسان خونین بسته بود از این همه تهدید و تهمت و افترا ترسی نبود. او می گفت: من عقیده ام از اول دهمه های تاریک و مرطوب روستایان و دستهای پینه بسته کارگران میهن گرفته ام و به خاطر عقیده ام می جنگم و بازم می جنگم ... این جواب همیشه از او به زمانه است. کنونی و ممتنی مترجم معلوم الحال ... سید آخرین بار در جریان پخش اعلامیه، توسط افراد مسلح کمیته امام کرمان دستگیر و مورد بازجویی قرار می گیرد. و علمبرغم شکنجه و آزار و شکنجه نام می شود حتی از گفتن نام خود نیز امتناع می ورزد و بی از دو هفته آزاد می گردد.



در سالهای اخیر ضرورت مبارزه با روبرویتیم و ترسیدار کسیتی سوسیال-امپریالیسم در سطح جنبش کمونیستی بطور جدی مطرح بوده است. همانطور که می دانیم علمدار روزیوز، م. سمدن در ایران حزب توده ایران و متشکل کننده و بلندگوی نیروهای هوادار تریز ضد سوسیالیستی و ارتجاعی سوسیال امپریالیسم "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" است.

کنفرانس وحدت با موضوع گیری سیاسی خود ...

امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد پختگی می گذارند. از این نظر حزب توده ایران، حزبی که استخوان بندی آن را انجمن مقاطعه کاران خیره تشکیل می دهد دارای هویت ثابت و جا افتاده ای است. لذا در هر مورد خاص در آینده دراز مدت از قبل می توان دریافت که متناهی محور حرکت توده ای ها همان سیاست لیبرالیستی است.

کنفرانس وحدت مفهوم مبارزه طبقات و درگیری نیروها را المص نمی کند ، چرا که عملا در چنین مبارزه های شرکت ندارد .

تبدیل آن به یک اردوگاه امپریالیستی نوین به عمل مبارزه امروزین طبقه کارگر و سایر زحمتکشان خلق مارتنیست ندارد. حال آنکه از نظر کمونیستهای اختلاف بر سر هیچ مسئله اصولی نیست که به اختلاف در پراکتیک روزمره نیچانند. به زبان دیگر چنانچه یک اختلاف "واقعی" در زمینه مسائل عام می بیند دو جریان کمونیستی تدوام باید، لاجرم باید لاقط یکی از آن دو جریان از جنبه جنبش کمونیستی بیرون رانده شود. زیرا مارکسیسم می گوید نهایت می کند که نظریه همواره راهنمای عمل است و باید راهنمای عمل باشد در عمل به کار بسته شود تا حقیقت آن (درست بودن آن) نظریه آشکار گردد.

مدافعیین تری "سوسیال امپریالیسم" اگر واقعا بخواهند به آرمان طبقه کارگر وفادار باشند راه چاره ای جز بازگشت به مارکسیسم و رد این نظرات ارتجاعی هیچ راه و چاره دیگری ندارند .

هم چون حاکمیت ارتجاعی چین در سطح جهانی کاملا افشاده و وحدت منافع و وحدت عمل آنان با جریانهایی امپریالیستی اجبارا طی پروسه آشکار شده و تحکیم خواهد یافت. چنانچه واقفیت های عینی یک مرز بندی کاملا طبقاتی را بر مبارزه همه طبقات تحمیل کند ، این افشاش فکری و موضع گیری های اجبارا متناقضه اکنون در عمل و حرکت جریانهایی وابسته به کمونیسم کثرت گریست به چشم می خورد. این گرایش ارتجاعی به یک جریان ارتجاعی بدل خواهد شد. و بطور کامل در کنار مرتجعین و در اتحاد با امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا قرار خواهند گرفت. این پروسه ای است که اجبارا طی خواهد شد. در این جریان ضرورتا معتقدین به مارکسیسم-لنینیسم و وفاداران صریح آزادی طبقه کارگر با بالایش تفکر خود راه راستین پرولتاری را انتخاب خواهند کرد.

بقیه از صفحه ۱

محمد مکرری با دروغ پردازی های خود ...

بقیه از صفحه ۱

آقای مکرری هیچ معلوم نیست چرادرمان غرور اینقدر به مسائل کردستان علاقه مند شده اند و دانش حرفهای بی سرونه به هم می بافتند. بهتر از سایر خدمتگزاران رژیم مشت خود را بازرگانه ماهی است به خود را که ضدیست با مردم زحمتکش است به نمایش گذاشته و می گوید:

"در اینجا باید تصریح کنیم که هیچیک از مردم واقعی کردواها کسی شهروان تحصیل کرده ها و محترمین و حقیقی بازاریان شهرهای کرد نشین در اغتشاشات اخیر منطقه با عوامل توطئه گریه کسان نداشته اند و تنبعاده ای از روستائیان ناکاه منطقه سر دشت و عده ای از پیش-مرکان جلال طالبانی که از نین با شیخ عزالدین حسینی طرز تفکر واحدی دارد به همراه عوامل دکتر محمود عثمان که عراقی است و پسران ملا مصطفی بارزانی اورا به جرم همکاری با حکومت عراق اخراج کرده بودند. در جریانات منطقه فعالیت داشته اند..." (تاکید از ماست)

در این کلمات ضدیست ایشان با روستائیان زحمتکش به خوبی آشکار است. آیا توطئه توده های دهقانی و زحمتکشان روستاهای کردستان "مردم واقعی" کرد نیستند؟ بنظر دکتر مکرری چون دهقانان کردستان از حقوق خود دفاع می کنند "ناکاه" و عوامل صهیونیسم هستند ایشان معتقد است که هیچیک از مردم واقعی کرد با نیروهای مبارز انقلابی است اعدام معلمین، پزشکان و روشنفکران کردستان در دهفینت قبل برای چند سده است. اگر مردم زحمتکش شهرهای کردستان حرف شمارا قبول دارند پس اعتراضات عده ای در دهفینت چند روز که شهرها حالت فوق العاده نظامی دارد بر سر چیست؟ تعطیل بازارها و میزبانی هادرها و سایر شهرها برای چیست؟

آقای مکرری "محرمتین" که شمار آنها دفاع می کنند چنانچه خود اعتراف کرده است باید فعالان، تجار بزرگ، سرمایه داران وابسته و بطور کلی عناصر وابسته به طبقات حاکم هستند و پروسه است که در کنار شمارا دارند و جمهوری اسلامی شما را می ستایند. و همان روستائیان که شما "ناکاه" نامید و شایسته احترام نمی دانید در دهفینت دشمنان شما هستند در اتحاد با سایر مردم زحمتکش علیه شما و آری با بان شامو و رهبران مبارزه ای شما با جان برخاسته اند و بدانند که در این مبارزه شکست و ننگ تاریخ تنها از آن و آری با بان شامو خواهد بود. و پیروزی از آن همان مردم زحمتکش است که شما آنها را "ناکاه" می نامید و شایسته احترام نمی دانید.

آقای مکرری در کردستان "محرمتین" که شمار آنها دفاع می کنند چنانچه خود اعتراف کرده است باید فعالان، تجار بزرگ، سرمایه داران وابسته و بطور کلی عناصر وابسته به طبقات حاکم هستند و پروسه است که در کنار شمارا دارند و جمهوری اسلامی شما را می ستایند. و همان روستائیان که شما "ناکاه" نامید و شایسته احترام نمی دانید در دهفینت دشمنان شما هستند در اتحاد با سایر مردم زحمتکش علیه شما و آری با بان شامو و رهبران مبارزه ای شما با جان برخاسته اند و بدانند که در این مبارزه شکست و ننگ تاریخ تنها از آن و آری با بان شامو خواهد بود. و پیروزی از آن همان مردم زحمتکش است که شما آنها را "ناکاه" می نامید و شایسته احترام نمی دانید.

در اغتشاشات "نقشی نداشتند و لیبی می دانید چرا؟ چون این "اغتشاشات" به وسیله ارتش، سپاه پاسداران و پروسه راهنمایی زمامداران جدید صورت می گیرد و اینها هستند که علیه خلق کرد "توطئه" می کنند و گناه "مردم واقعی" کرد و توده های دهقانی و روشنفکران و حقیقی و بخش زیادی از بازاریان کردستان این است که از حقوق خود دفاع کرده و می خواهند مبارزه ضد امپریالیستی را پیش ببرند. آقای دکتر مکرری اینها حقایقی است که شما نمی خواهید برای مردم توضیح دهید زیرا طرفدار مرتجعین هستید و این حقایق مشت شما و همان "محرمتین" را که شما از آنها دفاع می کنید باز خواهد کرد.

آمین است. میخ خود را بکوبد و در این راه به هر وسیله ای متوسل می شود و مهمترین اهرمهای که امروز به کار می گیرد، یکی تحقیق توده ها و دیگری سرکوب نیروهای انقلابی است و زمینه سازی های قشون - کتی به کردستان و کشتار خلق کرد نینز گواه چنین سیاستی بود. لذا اگر قبول کنیم که سرنوشته مبارزه در کردستان بیوندی بس عمیق با سرنوشته جنبش ترقی خواه تمام خلقهای ایران دارد، شرط صداقت انقلابی است که به حمایت از مبارزه حق طلبانه خلق کرد بر خیزیم این نهایت فرصت طلبی است که در موصغیگی های سیاسی تنها به این عبارت کلی و فرصت طلبانه قناعت کنیم که ما از مبارزات حق طلبانه خلق کرد حمایت می کنیم.

مبارزات حق طلبانه خلق کرد تحت رهبری نیروهای سیاسی سازمانهای سیاسی خاصی با مضمون و محتوایی مشخص صورت می گیرد. امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد. تحلیل های استراتژیک یک مابینی بر اینکه در پروسه انقلاب دموکراتیک خلق چه اقتضای طبقاتی باید پشت پرده تاریخ صاف بندی کنند، چه نیروهای باید پی طرف شوند و کدام یک باید سرنگون شوند، همواره در بزنامه سیاسی و تاکتیک بصورت اتخاذ یک سیاست مشخص نسبت به سازمانهای سیاسی وابسته به آن اقتضای طبقاتی در خواهد آمد. یعنی تحلیل استراتژیک در نهایت وقتی در عمل بخواهد به کار بسته شود به صورت اتحاد با سایر نیروهای مترقی که در سازمانهای سیاسی خود متشکل شده اند درمی آید. بصورت کوشش در راه منفرد کردن نیروهای خبیانت پشه و سازشکار، تصفیه آنها از صفوف نیروهای خودی و به صورت مشخص کردن دشمن عمده در هر مقطع مشخص درمی آید. کمال سادگی و نادانی است که در مبارزه طبقاتی به ویژه در انقلاب دموکراتیک کسانی که از مابینتند حتما دشمن عمده ما محسوب شوند و پاکسازی که

باز دشمن عمده ما نیستند حتما در دست ما به حساب آیند. استالین در این زمینه تا آنجا پیش می رود که استراتژی را جهت وارد آوردن ضربه اصلی، پرولتاریا را می شمارد و مضمون این ضربه را هم "منفرد کردن نیروهای می دانند که باید منفرد شود. در مورد مشخص کردستان هم باید بگوئیم روح فرصت طلبی و ریاکاری آن است که از مبارزات خلق کرد دفاع کنیم بدون آنکه مشخص کرده باشیم این مبارزین چه کسانی هستند و آزار چه کسی دفاع می کنیم. ما معتقدیم که دفاع از شورای هماهنگی جمعیت های سیاسی خلق کرد، یعنی فداکاری، جمعیت زحمتکشان کرد و دموکراتها در شرایط کنونی و طبقه تمام نیروهای انقلابی و مبارز و به سود جنبش ترقی خواه خلق است. باید با صراحت و صداقت این وظیفه را شناخت و بدان عمل کرد. هر نوع طفره رفتن از این موضع به هر دلیل که باشد فرصت طلبی و گرفتار شدن در دام ارتجاع است.

موضع گیری کنفرانس چی ها صریح ترین و بارزترین نمود ارتجاعی است که در پس تری ارتجاعی و مرتجعانه سوسیال امپریالیسم نهفته است. رهبران چین این تئوری را وسیله ای برای توجیه زد و بند و اتحاد خود با ارتجاعی ترین جناح امپریالیستی امپریالیسم قرار دادند و امروز کنفرانس چی ها با پیروی از این اراجیف عملا چنانکه می بینیم با ارتجاعی ترین جناح همتا حاکم با مابینت های که شمار فاشیستی صهیونیستی "حزب دموکرات راه خاک و خون می کشیم" همساز شده اند. غالب است که سازمان به کار که ظاهرانش هادی را در کنفرانس بر عهده دارد وقتی متوجه واکنش نیروهای مترقی در برابر این موضع ارتجاعی شد ضمن کوشش برای جلوگیری از انتشار و وسیع آن وضع آوری نسخ چاپ شده کوشید تا به نحوی به جریان مسئله بپردازد. چنانکه در نشریه به کار شماره ۱۸ با حلقه به همین شعار فاشیستی کوشید همسازانی سابق خود را با مرتجعین سرکوبگر مورد انکار قرار دهد. و این بار تناقض بین تئوری و عمل را با کمال نهادن تئوری حل کرده و وجه بارزی از یک سیاست پراگماتیست، راه تهاجمی گذاشت.

اما اگر در کردستان تری ارتجاعی به سنگ بخورد و بورش سرکوبگرانه با مقاومت خلق کرد مواجه گردد، ارتجاع که برای سرکوب جنبش کارگری و کمونیستی از خود ولع احفانه ای نشان می دهد دیگر از انجام درونی و بر زندگی کافی بر ای بازگشودن جنبه های دیگر محروم خواهد ماند. به ویژه شبه کودتایی که بسود جناح ارتجاعی تری رژیم در اواخر مرداد صورت گرفت با اعتراض جدی تری از جانب جناح های دیگر همتا حاکم مواجه خواهد شد.

ارتجاعی می خواهد، تحت فضای ترور و اختناق که ناشی از سرکوب تری -

نی می تواند در دراز مدت به اتقناط ایدئولوژیک خود ادامه دهد و چنانکه پیدایش از هم اکنون پروسه شکستن این اتقناط و اختصار این جعلیاتی که به نام مارکسیسم عنوان می شود آغاز شده است. آری کنفرانس وحدت با این دیدگاههای اتقناطی خود و افتادارد "جان می کند". این کنفرانس برای مدتهای مدیده همین شکل زنده نخواهد ماند.

گفتم مبارزه ایدئولوژیک از نظر مارکسیست های واقعی هرگز منازعه ای نبوده است که به "عالم اولی" مربوط شود و به حیات و مبارزه و مسائل روزمره طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی ربطی نداشته باشد. هم از این روست که مارکسیست - لنینیست ها همواره روی اصولیت ایدئولوژیک تاکید دارند و باید و موظفند همواره همیشه صفوف خود را از هر نوع انحرافی و به ویژه از انحراف در اصول بزایند.

وقایع اخیر و به ویژه وضع کردستان و موضع سازمانهای مدعی مارکسیسم نسبت به آن بهترین ابته ای است که می تواند نشان دهد چگونه انحراف در اصول به

موضع گیری ارتجاعی با فیریکارانه و ضد پرولتاریا کشیده خواهد شد. کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر که معتقد به سوسیال امپریالیسم و ظواهر نانی تئوری سه جهان است، اخیرا بهانه پلنه بالایی بیرون مایل کردستان انتشار داده که در آن به بارز ترین وجهی ارتجاع نهفته در تریوسان امپریالیسم و جوهر واقعی اش یعنی همان تریسه جهان را به نمایش گذاشته است.

در روزهای که ارتجاع حاکم به توب و تانگ و هلی کوپتر و هواپیما به قصد سرکوب نهضت خلق کرد مشغول قشون کشی است و در حالی که سازمانهای سیاسی خلق کرد از جمله حزب دموکرات کردستان زیر شدیدترین حملات ارتجاع حاکم قرار دارند و عملا به عنوان یکی از نیروهای شرکت کننده در شورای هماهنگی جمعیت های کردستان در مبارزه علیه مردم کشی ارتش و پاسداران در کنار مردم قرار گرفته است، کنفرانس چی های ما اعلامیه داده اند و حزب دموکرات را "نیروی وابسته به بیگانه و خبیانتکار اعلام کرده اند."

آنان رهبری حزب دموکرات کردستان را "عده ای جاسوس وابسته به سوسیال امپریالیسم روس" (که اشتباه شوری نوشته شده) دانسته اند که "یک سرتوطئه هائی است که علیه خلق کرد طرح ریزی می شود". قبل از پرداختن به مطلب کافیست برای خوانندگان توضیح دهیم که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان که به دیدگاههایش اساسا مورد تأیید همین کنفرانس چی هاست هم اکنون زیر فشار واقفیات، به همکاری با همین "توطئه گر" های وابسته به بیگانه ("چقدر کلمات شبهه آزه هائی است که ارتجاع به کار می برد، اصلا خود ارتجاع است که زیر

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

عزیزترین فرزندان خلق را به جوخه های اعدام می سپارند



رفیق شهید سعید میرشکاری

هم زمان با مبارزان شهرهای کردستان و کشتار وسیع زحمتکشان و انقلابیون کرد، در دیگر نقاط کشور نیز ترور و اعدام انقلابیون اعدا شده است. ترور و اعدام دوبرادر انقلابی سعید و علی میرشکاری که در تاریخ شنبه و پنجشنبه ۲۷ مرداد و ۲۹ شهریور ۵۸ در شهر کرمان صورت گرفته نمونه جنایاتی است که عوامفریبانه زیر عنوان مبارزه با ضداقلاب، در چهار گوشه مبین ما، بدست زمامداران کنونی صورت می گیرد. سعید میرشکاری چه کسی بود؟ چگونه زندگی کرد و چگونه ترور شد؟

یاد حماسه آفرینان سپتامبر سیاه را گرامی بسازیم

۲۶ شهریور ماه معادف است با سالروز سپتامبر سیاه و این روز در قاموس جنبش های رفاهی بخش انقلابی با یادآوری یکی از سهمگین ترین بوشهای اشتلاف شوم مرتجعین و مزدوران وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم بریکرانقلاب فلسطین است. ضربهای که نه تنها انقلاب خلق کبیر فلسطین، که همه جنبش های هاشم بخش جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داد. این روز در قاموس جنبش های ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی بیانگر یکی از شکوهمندترین پیوندهای درون خلقی و تجلی گام عظیم ترین حماسه های پایداری تا مرز شهادت و به قول فرمانده شهید ابوالفضل ایادی، ایستاده جان باختن و زانو نزدن در مقابل دشمن است. این روز همچنین روزی است که به بهترین وجهی ماهیت دمدستانه ارتجاع کشورهای عرب و اتحاد عمیق آنان با نظام امپریالیستی و صهیونیستیها را آشکارا به نمایش گذاشته است. جنبش مقاومت فلسطین طی حوادث و رویدادهایی که به سپتامبر سیاه ختم شد با ایستادگی ها و یورشهای دلبرانه خود نشان داد که از لحاظ ایمان و رزمندگی برتری های چشمگیری نسبت به دشمنان مرتجع غویبش دارو پیروزی های نظامی جنبش مقاومت در آن دوران بهترین گواه این حقیقت است. لکن به دلیل سازگاری رهبری بسیاری از سازمانهای شرکت کننده در جنبش مقاومت و به ویژه به دلیل در غلطیدن رهبران آن سازمانها در اوهام مبتنی بر تاکتیک و اعتماد به حکومتهای عرب و کم توجهی به ضرورت ایجاد پیوند عمیق و فعال مبارزاتی بر اساس مبارزه مشترک ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی با توده های عرب تلاش حماسه آفرینان سپتامبر سیاه به ناکامی و شکست انجامید.

مجموعه رویدادهای جهان عرب را از اولین حرکتهای سازگاران حال عبدالناصر در رابطه با قبول طرح "راجرز" (وزیر خارجه وقت امپریالیسم امریکا) گرفته تا کشتارهای توطئه گرانه مرتجعین اردن در سپتامبر سیاه، حرکات و تجمعیهای تسلیم طلبانه رژیم سوریه، اقدامات خیانتکارانه سادات، جنگهای خانگی لبنان و تجاوزات ارتش اسد علیه فلسطینی ها و نیروهای مترقی لبنان و جنگ افروزیها و توطئه های شوم ارتجاع لبنان اعم از فاشیستیهای مسیحی و سایر مرتجعین و توطئه گران لبنانی و تجاوزات هرروزه اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه های هر روز نیروهای مرتجعیه همچون جنبش امل و حرکات صهیونیستی جدیدی چون سعد حداد و ابوالغیر طرح توطئه آسیر خود مختاری پویشی گرانه غربی را با بدستگیری بهم پستهای اذیت که سرمایه داری مرتجعین کشورهای عربی در اتحادیه امپریالیسم و متحدین صهیونیست آن برای غارت توده های زحمتکش عرب یعنی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهرها و روستاهای کشورهای عربی و بطور کلی زحمتکشان سراسر جهان طرح ریزی کرده است.

این روزها جنبش لبنان شاهد جنایات مرتجعین فالانژ و همدستانان صهیونیست آنان است. جنایاتی مشابه آنچه که در اردن ۱۹۷۰ گذشت و بی شک جنبش فلسطین با درس گیری از تجارب سپتامبر سیاه برای آن متحمل شده است سرانجام از میان این سیل دودآتش و خون، همچون خلق قهرمان و پرتام پیروز مند سر بر خواهد آورد، تنها باین شرط که تحت یک رهبری انقلابی و وفادار به آرمان خلق، با اتکا به پیوند عمیق با توده های ستمدیده لبنان و خلقهای سایر کشورهای عرب و بطور کلی همه نیروهای مترقی خواه جهان و به یطربرد مبارزه ای بیگانه علیه مرتجعین آن کشورها و همچنین با پاک کردن صفوف خود از خیل نیروهای سازشکار (نیروهای که به جای اتکا به توده های ستکنش جهان و به ویژه جهان عرب به بهره گیری از تضادهای بین مرتجعین عرب دلخوش کرده اند) و از طریق یک جنگ صبورانه توده ایست که می تواند از تکرار فاجعه سپتامبر جلوگیری نماید و راه پیروزی نهائی خلق فلسطین را بر صهیونیستهای اشغالگر و متحدین امپریالیستش بازگشاید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرگردگی امریکا نابود باد توطئه سازشکاران و مرتجعین عرب علیه خلق فلسطین پیروز باد جنبش قهرمانانه مقاومت مسلحانه خلق فلسطین

بخاطر شرکت در سرکوب خلق کرد

گارد جاویدان مورد تقدیر و ستایش ارتجاع قرار گرفت

بهدرتر رسیده روبرو شد. کمتر کسی است که از علت به وجود آمدن "گارد جاویدان" و نحوه انتخاب افراد آن بی اطلاع باشد. این گارد برای حفاظت از گانگ های سلطنتی بوجود آمد و افراد آن از میان سرسپردترین نوکران رژیم شاه دستچین می شدند و مدتها در مورد جد و آباء آنها تحقیق می شد تا از مدت ها نیز در معرض آزمایش بودند. تا مادام که سرسپردگی آنها به شاه در جای شگ و شبهه باقی باشد. روزیم آن کاملاً به وفاداری نشان داد و در برجمتترین نمونه های توطئه های کودتای آنها اقدام به اجرای آن در روز ۱۹ بهمن ماه سال گذشته بود که با عمل قاطع توده مردم علیرغم میل رهبران

بازگشت افراد لشکر یکم از ارومیه خبرگزاری پارس گروهی از افراد لشکر یک گارد جاویدان سابق که برای سرکوبی ضد انقلابیون و توطئه های حزب منحله دموکرات کردستان و همکاران با افراد لشکر ۶۲ ارومیه به این شهرستان

یاد رفیق فواد سلطانی فرزند دلیر خلق زحمتکش کرد گرامی باد

بلندگوهای تبلیغاتی رژیم خیر شهادت رفیق فواد سلطانی سلطانسی را طی درگیری های کردستان، مختصراً اعلام کرد. فواد همچون سایر همزمانش تا آخرین نفس به آرمان زحمتکشان وفادار ماند و ستر به سنگر بازتجاع و عمال آنگاه که ارتجاع و حاکمیت وابسته در چهر شاه جنایتکار ارتش و سایر اربابانهای فاشیستی آن عمل می کردند او این بار که در چهره جدید مرتجعین کور دل و خیانت پیشه ظهور نموده همان ارگان را هم به خدمت گرفته به ستیزه برخاست رفیق فواد فرزند خانواده مبارزی بود که اکثر افراد آن در زمان رژیم گذشته به خاطر فعالیت های انقلابیشان با راه و پاها به زندان و شکنجه کشانیده شدند و در سهم خویشت را همدوش سایر مردم ایسران در سرنگونی شاه داد کردند. وقتی ارتجاع منصب باجنگ انداختن به دستاوردهای انقلاب به حاکمیت رسید و یورش دمدستانه خویشت را علیه انقلابیون و خلقهای تحت ستم و مبارزان ایران آغاز کرد، سلطانی ها در صف مدافعین انقلاب به مبارزه خود ادامه دادند. دوتن از برادران رفیق فواد به نامهای حسین و امین به دنبال اشغال نظامی مرویان به چرم دفاع از آرمان زحمتکشان همراه با دهها رزمنده دیگر به جوخه اعدام فاطمین جنایتکار سپرده شدند و فواد نیز یک هفته بعد از شهادت برادرانش طی درگیری با پاسداران به شهادت رسید. او در راه با به گذاری ایرانی آزاد و مستقل ایرانی دموکراتیک و متحد مبارزه کرد و شهادت همچون شهادت هر روزنده دیگری الهام بخش مبارزین انقلابی خواهد بود.

تهدید و اوعاب

کارکنان بیمارستان مهر

در بیمارستان مهر در تاریخ ۲۶ شهریور ۵۸ یکی از اعضای شورای اسلامی دکتر مشیری را که دارای چهار دکترا از دانشگاه هاروارد می باشد به قصد کشتن می زند تمام دکترها و پرستارها را تهدید می کند که هر کسی اسلامی رفتار نکند، سر بر سرش می شود. سرپرستاری از بخش های مختلف "در این بیمارستان" ساواک را انجام می دهد. صد ها نفر از کارکنان بیمارستان حق ندارند حتی کوچکترین حرفی از حقوق عقب ماندگی و یا بدرفتاری اضافه کاری بزنند. آنها را در هر مقامی که باشند، کتک می زنند. یکی از کارکنان زن می گفت: "به ما گفتند که تپانمی گذارند حقوق شما را بدهند، برای همین آنها را می رژیم

اعزام شده بودند پس از انجام ماموریت خود به تهران بازگشتند. افراد گارد جاویدان سابق که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از خدمت طاغوت برکشتند و با مصمم قلب از خدمت جمهوری اسلامی ایران هستند و صمیمانه در سرکوبی ضد انقلابیون همکاری می کنند، مدت یکماه بود که ماموریت یافته بودند عوامل مزدور حزب منحله دموکرات کردستان را با پایری برادران ارتش و لشکر ۶۴ ارومیه سرکوب نمایند و این ماموریت را به نحو شایسته ای به انجام رسانیدند.

البته سوا ماهیت حاکمیت کنونی و خدمات ارزنده اش به بازسازی ارتش شاهنشاهی بخصوص در جریان سرکوب خلق کرد، تنها یک پاسخ برای مابقی مانده است و آن اینکه لابد بر سر ارتش و در این مورد خاص "گارد جاویدان" سابق آب توبه ریخته شده است؟

حقایق دیگر از جنایات ارتجاع در مرویان:

کردستان از ناحیه پاوه آغاز شد. چنان محیط رعب و وحشتی فراهم نمودند که هیچگاه آریا میسر نماند. از یادگان سنندج ناقص نمی رسید. از یادگان سنندج گروهان ۳ گردان ۱۸۷ به پاوه اعزام شدند ولی درست همان روز ۲۸ مرداد ۵۸ تعداد چهار فرزند هواپیما عده ای نظامی را در فرودگاه سنندج پیاده نمودند و بعد نظامی ها را سوار اتوبوس کردند و از وسط شهر نمایش واره یادگان فرستادند. فرمانده سربازان وسط چهارراه - که در آن ترافیک همیشه سنگین آن توقف اجباری است - از ماشین پیاده شد و برای مردم نطق کرد. که برای برادر کنشی نیامده ایم. ما می دانیم شما هم سلمان هستید. مارا گول زده اند. سربازان آموزش دیده با طرح قبلی اسلحه ها را دوستی تقدیم نمودند و این بهانه رژیم بود برای حمله به سنندج چنانچه نیروهای نظامی را از مرکز بند و نوازگان شهر بلکه از وسط شهر عبور دادند؟ چرا اسلحه ها بپشتان نه سوزن داشت و نه خناب؟ آیا غیر از این است که می خواستند مردم اسلحه ها را تصرف کنند ولی قابل استفاده هم نباشد؟ مضمی زاده این مرتجع خود فروش می گفت: "چون شایع بود که شاه در روز ۲۸ مرداد می خواهد برگردد. ارتش را را احضار کردیم". او دلیلش این بود که چاردرست روز ۲۸ مرداد ارتش را احضار کردند و قبل از آن. رادوشهر آن گفت.

"از مسجد جامع خبر رسید که زنان مارا حزب دموکرات به گروگان برده و شهر را محاصره نموده یادگان در آستانه خلع سلاح است". هجوم به سنندج همزمان شد با هجوم پاسداران. درست همان روز همان ساعت به دیواندره و پراشاه و سقز. در سنندج کسی مقاومت نکرد. ماهیت توطئه از قبل برای همه نیروهای سیاسی و آگاه شهر روشن بوده ولی در بنیه نواحی مردم به مقاومت برخاستند. در سنندج نیروهای مفتی به عنوان مصابرای پاسداران شروع به بغیابانگری و بیابان بستن کردند و عده ای از مردم را به اسارت بردند. زنان تحصن کردند ولی پاسداران انقلاب اسلامی با شلیک هوایی و باکگت انقلاب کریمان و شاه را از قبل را از اساتنداری بیرون نمودند و آنان به دادگستری روی آوردند. شب بعد پاسداران به یک موتور سوار در خیابان وسط شهر فرمان ایست دادند که او نشنیده بود و آنها به گلوله اش بستند و مدتی تکفگ ۳-۳ در دست گرفتند. که گویا مقاومت کرده با حمله نموده است. وقاحت به حدی بود که قابل تحمل نبود. مردم پس از دفن کردن جنازه به تظاهرات پرداختند و با شعار "پاسداران اعزامی اخراج باید گردند" و "نیروی مفتی خلع سلاح شود"

رژیم می پندارد خلع را با سرکوب می شود به زیر بوج جبارانه در آورد تا کسی نتواند، پاسداران و ارتشیان در کردستان قصد دارند پس از به اصطلاح سرکوب خلق کرد و در حقیقت قتل عام کردها به کشتار دیگر نیروهای مبارز بردارند تا پاسداران داخلی راحل کند، تا ارتش با سلاح ت شود، ساواک جدید (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) به رهبری چمران همکاره شود، تا مانع فرار پناه داران به دست حفظ نمود، تا بتوانند به سرایم داران فراری اطمینان بدهند که ایران آماده جهاول است و آنها برگردند.

رژیم می پندارد خلع را با سرکوب می شود به زیر بوج جبارانه در آورد تا کسی نتواند، پاسداران و ارتشیان در کردستان قصد دارند پس از به اصطلاح سرکوب خلق کرد و در حقیقت قتل عام کردها به کشتار دیگر نیروهای مبارز بردارند تا پاسداران داخلی راحل کند، تا ارتش با سلاح ت شود، ساواک جدید (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) به رهبری چمران همکاره شود، تا مانع فرار پناه داران به دست حفظ نمود، تا بتوانند به سرایم داران فراری اطمینان بدهند که ایران آماده جهاول است و آنها برگردند.

روز دوشنبه ۲۹ مرداد ۵۸ پاسداران به ۴ کلبه شتری سقز به بخش پراشاه رسیدند و با عده ای از هواداران سازمان و جمعیت زحمتکشان که برای طرفداری از دهقانان سنندج گرفتار بودند مقابل مالکان رفتند. بفرورد کردند و در ضمن درگیری بین مردم و نیروهای انقلابی از یک طرف پاسداران از طرف دیگر پیروان پاسداران ۵ نفر از آنها زخمی شدند که آنها را به بیمارستان سقز منتقل کردند. روز سه شنبه ۳۰ مرداد در گذر از کشتارهای پاسداران یکی از آنها غلبت آمدنشان را به کردستان اینطور تعریف کرد که: "قبل از آمدن آنها از زیر قرآن رد کردند و آخوندی به آنها گفته است که شما برای جنگ با کفار روسها می روید هر چند نقرار آنها را بکشید به همان تعداد دفعه به بهشت می روید و گفته بود نامی توانید بکشید. چون اگر زخمی بشوید آنها را شمار می برند. پاسدار می گفت: "وقتی به بیمارستان منتقل شدیم مرگ خودمان راحت می دانستیم و فکر می کردیم که اطاق عمل کشتارگاه است. او را اینکه آنها را اجراحی کرد و می دانوا نموده بودند احساس خرم می کرد و می گفت: "از اینکه درباره کردستان نظور فکرمی کردم، بحال می کشم". این گفته به عجبی نشان می دهد که چگونه هیئت حاکمه از علایق و احساسات

بقیه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر